نسیم جنوب

www.nasimjonoub.com

سال دهم - شماره ۴۸۸ - یکشنبه ۲۸ بهمن ۱۳۸۶ - ۸ صفحه - ۱۵۰ تومان



برگزاری سوگیاد احمد بورقانی در خانه مطبوعات بوشهر

مراسم سوگیاد احمد بورقانی معاون اسبق مطبوعاتی وزارت ارشاد و روزنامه نگار با سابقه کشور در خانه مطبوعات استان بوشهر برگزار می شود. این مراسم در روز سه شنبه این هفته ساعت ۵ بعدازظهر در محل خانه مطبوعات با سخنرانی سید نورالدین ابطحی (مدیرکل اسبق ارشاد اسلامی بوشهر) و تنی چند از روزنامه نگاران برگزار می شود. خانه مطبوعات از کلیه روزنامه نگاران و علاقمندان برای شرکت در این سوگیاد دعوت نموده است.



این طوفان شاهین را به کجا می برد؟!

ثانیه های آخر بازی شاهین پارس این قدر جانکاه و سخت بود تا نصرت ایران دوست بارها و بارها از مولا علی کمک بطلبد. لب ها هایی که با هر بار بالا و پایین رفتن در تصویر تلویزیون خواسته ای به جز مدد ....

صفحه ۷

سیمرغ بلورین جشنواره فجر بر شانه غریب زاده هنرمند بوشهری

سیمرغ بلورین جشنواره فجر به فیلم بومرنگ به کارگردانی داریوش غریب زاده هنرمند بزرگ بوشهر اختصاص یافت. به گزارش خبرنگار نسیم جنوب در بخش بهترین فیلم کوتاه داستانی جشنواره‌ی بیست و ششم فیلم فجر، دو دیپلم افتخار به "چاوش" ساخته "فرخ حنیفه نژاد زیبایی" و "در خانه ما" ساخته "مریم کشکولی نیا" اهدا شد و سیمرغ بلورین این بخش به فیلم "بومرنگ" ساخته "داریوش غریب زاده" اختصاص یافت. نسیم جنوب این افتخار فرهنگی و هنری را به این هنرمند و جامعه فرهنگی بوشهر تبریک می گوید.

صفحه ۸



درخت کُشی شهرداری بوشهر

۳۹ درخت ۲۰ تا ۳۰ ساله در طرح بهسازی پارک مصلی ریشه کن شد

صفحه ۲

افتتاح شورای حل اختلاف مطبوعات بوشهر

شورای حل اختلاف ویژه مطبوعات بوشهر دوشنبه این هفته افتتاح می شود. یونس قیصی زاده رئیس خانه مطبوعات استان بوشهر ضمن بیان این مطلب اظهار داشت: با هماهنگی بسیار خوبی که با دادگستری استان بوشهر شد، مقدمات راه اندازی شورای حل اختلاف ویژه مطبوعات استان بوشهر در چند ماه گذشته انجام شده و این شورا دوشنبه همین هفته در محل خانه مطبوعات استان بوشهر افتتاح می شود. وی افزود: پس از افتتاح این شورای حل اختلاف، کلیه شکایات از خبرنگاران و مدیران مسئول و نشریات...

شورای حل اختلاف ویژه مطبوعات بوشهر دوشنبه این هفته افتتاح می شود. یونس قیصی زاده رئیس خانه مطبوعات استان بوشهر ضمن بیان این مطلب اظهار داشت: با هماهنگی بسیار خوبی که با دادگستری استان بوشهر شد، مقدمات راه اندازی شورای حل اختلاف ویژه مطبوعات استان بوشهر در چند ماه گذشته انجام شده و این شورا دوشنبه همین هفته در محل خانه مطبوعات استان بوشهر افتتاح می شود.

وی افزود: پس از افتتاح این شورای حل اختلاف، کلیه شکایات از خبرنگاران و مدیران مسئول و نشریات باید در این شعبه مطرح شده و اعضای این شعبه سعی در حل اختلاف این شکایات خواهند داشت.

اعضای شورا حل اختلاف عبارتند از دکتر فرهمند، خلیل موحد، رضا معتمد و مسئول دبیرخانه با حسین حشمتی می باشد. محل آن نیز در خانه مطبوعات (عمارت گلشن) خواهد بود.

برگزاری مراسم افتتاح شورای حل اختلاف مطبوعات در روز دوشنبه ساعت ۱۰ صبح با حضور مدیرکل دادگستری بوشهر در محل خانه مطبوعات خواهد بود. از کلیه روزنامه نگاران برای شرکت در این مراسم دعوت شده است. زمان دوشنبه ۱۰ صبح

حیات ادبی ما همواره با سرنوشت مطبوعات گره خورده است

علی دهباشی



صفحه۳

پایه گذاران حمل و نقل در استرالیا، افغانی بودند

محمود دهقانی



صفحه۸

پاسداشت سپیدموی اهل قلم



صفحه۴

نسیم جنوب
۲
خبر
شماره ۴۸۸ یکشنبه ۲۸ بهمن ماه ۱۳۸۶
NASIM JANOUB

سخنگوی شورای شهر:

بزرگداشت روز بوشهر در اوایل سال آینده برگزار خواهد شد

سخنگوی شورای شهر در گفت و گو با خبرنگار نسیم جنوب در خصوص زمان برگزاری، روز بوشهرگفت: « کمیسیون فرهنگی با توجه به چند مولفه ای که وجود داشت از جمله بحث همزمانی روز بوشهر با سالروز شهادت حضرت امام رضا (ع) و همچنین رحلت پیامبر گرامی و همچنین همزمانی با آغاز تبلیغات انتخاباتی کاندیداها، روز بوشهر را در روز تعیین شده برگزار نخواهد کرد.»

مسعود شکوهی افزود:«همچنین برخی از مورخین و اساتید تاریخ بر روی روز تعیین شده برای روز بوشهر که ۱۸ اسفند می باشد بحث داشتند و معتقد بودند که تاریخی که به عنوان تاریخ تاسیس مدرسه سعادت است با واقعیت منطبق نیست.»

وی اضافه کرد:«قرار شده کمیته ای بررسی ای بر روی این موضوع انجام دهدد و نتیجه نهایی اعلام کند و با توجه به این موارد قرار شد که بزرگداشت روز بوشهر را در اوایل سال آینده برگزار کنیم.»

شکوهی در پاسخ به سوال خبرنگار ما مبنی بر اینکه موسسه فرهنگی ورزشی شهرداری هنوز بدون معاون است و انتصاب معاون فرهنگی ورزشی شهرداری هنوز انجام نشده، در خصوص دلیل تاخیر این انتصاب گفت:« این کار در مراحل قانونی اداری اش است و سیر اداری باید انجام شود و تا کنون مراجعی که باید پاسخ دهند پاسخ ندادند.»

وی دلیل این تاخیر را سفر ریاست جمهوری و بحث انتخابات عنوان کرد و گفت:«مراجع مربوطه نیز درگیر بودند اما کار شورا و شهرداری هم معطل مانده و ما امیدواریم که هر چه زودتر انجام شود.»

سخنگوی شورای شهر همچنین در خصوص میدان حر و وضعیت فعلی آن گفت:«بر اساس توافقات انجام شده با دستگاه هایی که در حریم طرح توسعه میدان قرار گرفتند (نظیر اداره کل راه و ترابری و پایگاه ششم شکاری) بخشی از عقب نشینی ها انجام شده و بخشی دیگر باقی مانده است و خود ما هم امیدوار هستیم که بر اساس قول و قرارهایی که گذاشته شده بتوان تا پایان سال به طور کامل به بهره برداری برسد.»

وی افزود:«موضوع عقب نشینی ها به طور کامل انجام نشده به خصوص اینکه در ضلع شرقی خطر کم عرض بودن خیابان وجود دارد و امیدواریم که مسئولین ذیربط به زودی دست به کار شوند و این موضوع حل شود.»

شهرداری بوشهر درخت کُشی می کند

۳۹ درخت ۲۰ تا ۳۰ ساله در طرح بهسازی پارک مصلی ریشه کن شد

بهاره عالی پور

۳۹ درخت در ازای بهسازی پارک مصلی ریشه کن شد. این اتفاق در شب ۲۲ بهمن ماه رخ داد و موجب اعتراض افراد زیادی از جمله رئیس کمیسیون عمران، سازمان محیط زیست و مردم شد.



برای تهیه گزارش به پارک مصلی می رویم اما پیش از آن، اظهار نظر چند تن از عابران و ساکنان آن حوالی را شنیدیم که همه در مورد یک موضوع با همدیگر، هم عقیده بودند.

چرا از این همه خراب کردن دست بر نمی دارند؟

سوالی بود که تعدادی از مردم و رهگذران با هم رد و بدل می کردند و نسبت به این اقدام معترض بودند.

" از هیچ چیز نمی گذرند حتی از چند درخت "

مگر طبیعت و فضای سبز شهر ما چقدر است که همین تعداد درخت را هم که جانی گرفته اند و این همه به درد گرمای شهر بوشهر می خورد قطع می کنند؟

ساکنین آن خیابان به خاک بردارها اشاره می کنند و می گویند: «همیشه خراب کردن راحت تر از درست کردن است این همه چاله و چوله در شهر داریم به آنها رسیدگی نمی کنند اما به این پارک زبان بسته گیر دادند و خرابی دیگری را به خرابی های شهر اضافه می کنند.»

وباز هم به بی توجهی های شهرداری نسبت به کارهایی که نیمه کاره رها شده معترض هستند.

می گویند:«همین پل هایی را که قرار بود روبروی سینما بسازند، پایه های آن را نصب کردند و رهایش کردند و همین چند روز پیش ۳ نفر تصادف کردند اما با درختان چه کار داشتند که تز جدید بهسازی پارک مصلی را می دهند و یا دو روز پیش از آمدن رئیس جمهور درختان روبروی مغازه ها را قطع کردند به خاطر اینکه رئیس جمهور می خواهد بیاید.»

و باز هم به انتقاد می گویند:«همیشه خراب کردن راحت تر از درست کردن است. حالا کو تا این خرابی ها را درست و به اصطلاح پارک را بهسازی کنند.»

درست در مقابل پارک مصلی پلاکاردی نصب شده که دست اندرکاران پروژه جدید معرفی شده بود.

نام پروژه: بهسازی پارک مصلی – کارفرما: شهرداری بندر بوشهر – دستگاه نظارت: واحد طرح و نظارت شهرداری بوشهر – پیمانکار: شرکت صخره سازه گستر

پارک ظاهر خوبی ندارد و مرکز پارک که تا چند روز پیش در کنار هر مارپیچ پارک مصلی یک ردیف از درختان قامت راست کرده بودند امروز تنها در حاشیه های پارک، درختان پا برجا هستند و جای خالی درختان قطع شده به وضوح حس می شود.

نماینده پیمانکار و مهندس ناظر: فضای سبز این پارک ۲ برابر خواهد شد

نماینده پیمانکار و مهندس ناظر در آنجا حضور دارند.

طبق گفته نماینده پیمانکار، ۲ روز است که کارشان را شروع کردند و برای اجرای پروژه ۲۵ تا ۳۰ درخت را قطع شده است. از آینده خوب پروژه پارک مصلی می گویند. ایجاد پارکی با فضاسازی بیشتر به گونه ای که فضای سبز آن ۲ برابر خواهد شد و همچنین نصب آلاچیق و آبنما از ویژگی هایی بود که نماینده پیمانکار از آینده این پروژه(بهسازی پارک مصلی) خبر می داد.

وی می گفت:« همانطور که از نام پروژه مشخص است "هدف بهسازی پارک مصلی" می باشد و هدف شهرداری که کارفرما است این بود که نمای بهتری به فضای شهر دهد.

شاکری مهندس ناظر نیز می گوید: «مشاور، طراحی آن را به عهده داشته و بهترین گزینه را انتخاب کردند.»

طبق گفته نماینده پیمانکار و مهندس ناظر این پروژه به مدت یک ماه و نیم طول خواهد کشید اما طبق طرح، فضای بهتر و مناسب تری ایجاد خواهد شد ضمن اینکه حدود ۸۶ میلیون تومان برای قرارداد پیمانکار در نظر گرفته شده است.

رئیس کمیسیون توسعه و عمران خدمات شهری: ضرر سنگینی به فضای سبز بوشهر وارد شده است

رئیس کمیسیون توسعه و عمران خدمات شهری به شدت نسبت به این اقدام معترض است و در این خصوص اظهار نظر می کند.

پوربهی رئیس کمیسیون عمران در این رابطه می گوید:«شهرداری جهت تصحیح پارک، نقشه ای را طراحی کرده و بر اساس آن پیمانکاری گرفته و در طراحی جدید بیش از آنچه از درخت استفاده شود از آلاچیق و سایبان استفاده شده و به همین خاطر طبق نقشه جدیدی که قصد دارند پیاده کنند، ۳۹ درخت جمبو که هر کدام بین ۲۰ تا ۳۰ سال سن داشتند قطع کردند و بالاخره با وارد عمل شدن ما از قطع بیش از حد درختان جلوگیری شد.»

داریوش پوربهی با اشاره به وضعیت اقلیمی بوشهر گفت:«شرایط اقلیمی بوشهر به گونه ای ست که مردم نیاز مبرم به فضای سبز و سایه دارند و رشد درخت بسیار کند صورت می گیرد بنابراین سال ها زمان می برد تا یک نهال به یک درخت کامل تبدیل شود و هزینه های بسیاری نیز صورت می گیرد به همین دلیل جایگزینی این درختان به هیچ عنوان صورت نخواهد پذیرفت و ضرر سنگینی به فضای سبز بوشهر وارد شده است.»

پوربهی در خصوص طرح جدید این پروژه گفت: «طرح جدید طرحی ست که می تواند برای شهرهایی که دارای آب و هوای خوبی هستند نظیر اصفهان، تهران و شیراز مناسب است اما برای شهری مانند بوشهر که با کمبود فضای سبز مواجه است مناسب نمی باشد و ان شاء الله کارشناسان فضای سبز بتوانند با جایگزینی صحیح، فضای سبز دیگری را به جای این درختان جایگزین کنند تا شاید بتوان این وضعیت را جبران کرد.»

رئیس کمیسیون عمران در پایان گفت: «بنده در جلسه شورای شهر با حضور کارشناس فضای سبز و معاونت محترم اجرایی شهرداری بیان کردم که چنانچه نیت بر قطع یک درخت می باشد اولا جایگزین آن مشخص شود و قبل از قطع درخت درخت دیگری کاشته شود و سپس به قطع آن درخت اقدام شود و بیان کردم که حتما بنده به عنوان رئیس کمیسیون توسعه و عمران خدمات شهری و شورای شهر را در جریان امر قرار داده تا با رعایت تمامی اصول و مقررات موجود اقدام به قطع و جایگزینی آن شود که متاسفانه این کار انجام نشده و در عصر ۲۲ بهمن بین ساعت ۷ و نیم تا ۹ و نیم شب ۳۹ درخت قطع شد.»

در همین زمینه مهندس پوراحمد، پیمانکار طرح مذکور درخصوص قطع درختان پارک مصلی گفت: درخصوص قطع درختان پارک مصلی بیاییم دیدمان را بازتر نماییم به طور مثال با تحقیق و مطالعه منطقه ای را در جنگل مناسب جهت استقرار تأسیسات و یا تفریحگاه شناسایی می کنیم برای رسیدن به منطقه می بایست مسیری را باز نمایم و مجبور به قطع درختان در مسیر می شویم زمانی که این کار صورت گرفت رسانه ها با نمایش این صحنه در تلویزیون به قطع درختان اعتراض می کنند و ما نیز که بیننده هستیم دلمان به درد می آید. ولی زمانی که با خانواده و از این مسیر گذر می کنیم و به تفریحگاه می رسیم از مجریان این طرح به نیکی یاد می کنیم زیرا هم از فضای جنگل استفاده کرده ایم و هم از منطقه ای تفریحی از این مثلا روشن به قطع چند درخت نامنظم جمبو و تخریب باکس های بتنی که هیچ گونه سلیقه ای در آن کار برده نشده می رسیم. شروع کار ممکن است نارضایتی از بابت تخریب به وجود آید ولی آینده با ایجاد فضای سبزی زیبا و سازه هایی که با علم روز طراحی شده اند و جایگزین موارد تخریبی می شود چشم هر رهگذری را نوازش خواهد داد آن وقت است که مجریان و طراحان این سازه را تحسین می نماییم پس همشهری عزیز با تحمل و اعتماد به شهرداری مطمئن باشید زیبای این منطقه از شهر دو چندان خواهد شد.

باید بوشهر برای نوروز آماده شود

بهاره عالی پور : رییس کمیسیون عمران در خصوص آمادگی بوشهر از میهمانان نوروزی گفت: شهر بوشهر به دلیل هوای معتدل بهار قطعا پذیرای میهمانان زیادی در ایام نوروز خواهد بود و ما امسال باید آمادگی لازم را داشته باشیم.



داریوش پور بهی افزود: در حال حاضر شهرداری تمام نیروهایش را بسیج کرده تا بتواند فضای مناسبی را در ساحل، پارک شغاب و میادین موجود در سطح شهر ایجاد کند. علاوه بر این شهرداری در نظر دارد که میدانی را جهت فروش اجناس خارجی بر پا کند تا میهمانان تسهیلات بازاری داشته باشند و از مسافرت های اضافی به شهرهای همجوار که بعضا تمرکز زدایی در شهرهای همجوار خواهد بود جلوگیری شود.

وی اضافه کرد: تنها شهرداری نیست که باید این قضایا را دنبال کند و برای آن که نوروز خوبی داشته باشیم تمام دستگاه های ذیربط و ستادهایی تسهیلات نوروزی باید آمادگی خودشان را اعلام کنند. به عنوان مثال معاونت راهنمایی و رانندگی در تمامی نقاط خاص برای راهنمایی مردم، آماده باشد. نیروی انتظامی، انتظامات کل منطقه را بیش از پیش تامین کند و یا درمانگاه ها و بیمارستان ها آماده باشند، هلال احمر آمادگی شبانه روزی خودش را داشته باشد، میراث فرهنگی مشغول آماده سازی مکان های توریستی و گردشگری باشد، آموزش و پرورش محل اسکان مسافرین را بررسی کند و.. همه ی این برنامه ها در دست اقدام است و ما در ستاد تسهیلات نوزوزی مشغول ایجاد این هماهنگی هستیم که بتوانیم نوروز خوبی در بوشهر داشته باشیم. وی در پایان گفت:« همچنین از مقامات عالی و عمرانی استان خواهش دارم که در این زمینه کارهای لازم را انجام دهند چون این تسهیلات بدون اعتبار و پشتوانه معنا و تحقق پیدا نمی کند بنابراین استدعا دارم که با توجه به مشکلات مالی شهرداری،اعتبارات لازم را جهت تکمیل پروژه های نوروزی وعمرانی در اختیار شهرداری و ستاد تسهیلات نوروزی بگذارند تا نوروز خوب و به یادماندنی داشته باشیم.» وی اضافه کرد :« در سال گذشته هزینه ستاد تسهیلات نوروزی یک میلیارد تومان بوده و امسال با توجه به برنامه های اضافی که برای مردم خواهیم داشت برای این ستاد یک میلیارد و نیم پیش بینی می کنم و همچنین جهت کمک به بخش های عمرانی شهر۲ تا ۳ میلیارد تومانی را از مقامات عالی استان تقاضا داریم.»

برگزاری همایش علمی تخصصی نقش اصحاب اندیشه در مهندسی فرهنگی

این همایش که با همکاری سایر ارگانها و ادارات استان در ۴ اسفند ماه در سالن اجتماعات دانشگاه خلیج فارس برگزار خواهد شد به بحث پیرامون هم اندیشی در بومی سازی مهندسی فرهنگی خواهد پرداخت ، همچنین در این همایش کارگاههای علمی آموزشی مهندسی فرهنگی نیز تشکیل خواهد شد . حوزه هنری استان که به عنوان مسئول کمیته تبلیغات و ارتباطات این همایش فعالیت دارد تا کنون تعامل با مطبوعات محلی ، ارتباط با صدا و سیما و معرفی متخصصین جهت حضور در برنامه های رادیویی و تلویزیونی و هفته نامه های محلی در دستور کار خود قرار داده است .

گزارشی از مراسم اهدای جوایز انجمن اهل قلم در بوشهر

تجلیل از محسن شریف تلاش گر عرصه فرهنگ

بعدازظهر روز جمعه ۲۵ بهمن ماه ۸۶، در سالن مجتمع فرهنگی – هنری بوشهر، و با حضور جمع کثیری از صاحبان هنر و اندیشه استان دو برنامه توأمان در یک مراسمی که از سوی انجمن اهل قلم بوشهر تدارک دیده شده بود، اجرا گردید. اصل مراسم، مربوط به اعطای جایزه قلم طلایی به نویسندگان بهترین داستان کوتاه سال ۱۳۸۶ استان بود، ولی هم زمان، برنامه دیگری هم به اجرا درآمد که ویژه ی تجلیل از محسن شریف، یکی دیگر از داستان نویسان مطرح این دیار بود. مطابق معمول، این مراسم نیز با یک ساعتی تأخیر و با همان تشریفات اولیه و تکراری تمام مراسم رسمی در ایران، ساعت ۶ بعد از ظهر و با حضور بسیاری از نامداران و پیشکسوتان فرهنگی و هنر استان، شروع شد. بخش نخست مراسم، اختصاص داشت به تجلیل و تکریم از محسن شریف به خاطر یک عمر فعالیت نویسندگی و تلاش ه ای قلمی و قدمی او در اعتلای سطح فرهنگ و هنر استان و ایجاد زمینه های مناسب برای حرکت های صنفی و گروهی اهالی قلم این سامان.

در ابتدای امر، نصرالله شفیعی مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی، طی سخنان کوتاهی ضمن تقدیر از برگزارکنندگان مراسم و تحسین جایگاه والای استان در مقوله فرهنگ و هنر کشور، به ستایش از مقام و موقعیت هنری این نویسنده بوشهری پرداخت. پس از آن، دکتر عباس عاشوری نژاد رییس هیئت مدیره انجمن اهل قلم، از حضار به خاطر شرکت شان در این همایش تشکر کرد و به تمجید از شخصیت فرهنگی شریف پرداخت.



آن گاه، حبیب احمدزاده نویسنده و فعال سینمایی و محمود سعیدنیا نویسنده و منتقد ادبی به ایراد سخنرانی پرداخته و پس از قرائت داستان کوتاهی از امید غضنفر شاعر و نویسنده بوشهری توسط خودشان، محسن شریف از حضار و برگزارکنندگان مراسم سپاسگزاری کرد و دست آخر هدایا و لوح تقدیر هایی که توسط دوستان، نشریات و دو نهاد دولتی فرهنگ و ارشاد اسلامی و بنیاد ایران شناسی شعبه بوشهر تهیه شده بود، به این نویسنده اهداء گردید.

در بخش دوم مراسم، پس از قرائت بیانیه هیئت داوران جشنواره (محسن شریف – حسین دهقانی – فرشید جان احمدیان – خورشید فقیه – محمود سعید نیا)، اسامی برندگان جایزه بدین شرح اعلام گردید: نفر اول، خانم منصوره حکمت شعار به خاطر داستان «بیمار»، نفر دوم، مشترکا آقای سینا برازجانی به خاطر داستان اشک های «ما بعدالرحمی» و خانم زهره سعدزاده به خاطر داستان «غزل» و نفر سوم حسن مختارزاده به خاطر داستان «تپه های شنی»، ضمنا در این مراسم، از سه نویسنده دیگر به نام های فاطمه کشتکار، رضا ممسنی و حسین مباهات به خطار وجود برخی ارزش های هنری در آثارشان و بروز استعدادهایی در زمینه داستان نویسی از خود و به منظور تشویق آن ها به ادامه ی فعالیت نویسندگی، تقدیر به عمل آمد. این مراسم تا حدود ساعت ۸ شب و با اجرای خوب نبی دهقانی ادامه داشت.

و اما حواشی مراسم:

–۱ حضور بسیاری از نخبگان و پیشکسوتان اندیشه و قلم استان در این مراسم چشمگیر و جالب توجه بود، افرادی نظیر دکتر سیدجعفر حمیدی، دکتر عبدالکریم مشایخ، دکتر عبدالرحیم مهرور، عبدالمجید زنگویی، ایراج صغیری، جبیب احمدزاده، داریوش غریب زاده، حسن زنگنه و گروهی از شاعران، نویسندگان جراید و میدان و سردبیران نشریات محلی و ...

–۲ ناخوشایندترین قسمت این مراسم که اگر تدبیر و خویشتن داری برگزارکنندگان مراسم و احترام متقابل مدعوین نسبت به دست اندرکاران همایش نمی بود، می رفت تا تبدیل به یک بحران فرهنگی گردد، برخورد نامناسب مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان با نصب یک بنر و توزیع بروشور مربوط به مراسم بود. در ابتدای درب ورودی سالن، بنری نصب شده بود از تصاویر چند تن از نویسندگان بزرگ و نامدار گذشته و حال بوشهر نظیر شادروانان رسول پرویزی، صادق چوبک و نیز آقایان ایرج صغیری، حبیب احمدزاده، احمد آرام، محمدرضا صفدری، محسن شریف، منیرو روانی پور. مدیر کل ارشاد با این بهانه که حاضر به شرکت در مراسمی که تصویر سناتور دوره شاه در آن نصب شده است نمی باشد، از مسئولین برگزاری مراسم خواست که بنر مذکور را از محل جمع آوری نمایند. ضمنا به دستور وی، از پخش و توزیع بروشوری که مربوط به شرح جزئیات مراسم بود و مزین به همان تصاویر کذایی ، ممانعت به عمل آمد. بدیهی بود که این رفتار، خشم و نارضایتی حاضرین را برانگیخت و در واکنش به آن، تعدادی تصمیم گرفتند تا جلسه مذکور را ترک نمایند. اما خواهش و درخواست مجریان مراسم مانع از این اقدام گردید.

–۳ هنگامی که امید غضنفر – قبل از خواندن داستانش – از بزرگان داستان نویسی بوشهر که در سطح مملکت و جهان مشهور و مطرح می باشند – زنده یادها علی دشتی، رسول پرویزی و



صادق چوبک، نامی به میان آورد حاضرین در حالی که از جای خود و به احترام آنان برخاستند، برای مدتی طولانی و با کف زدن ممتد، اعتراض خود این گونه نسبت به عمل مدیرکل ارشاد نشان دادند. ۴– در پایان مراسم و در اعتراض به رفتار مدیرکل فرهنگ و ارشاد استان، طوماری تهیه و به امضای افرادی که در محوطه مجتمع گرد آمده بودند رسید.

متن سخنرانی استاد علی دهباشی در جمع روزنامه نگاران بوشهری خانه مطبوعات:

حیات ادبی ما همواره با سرنوشت مطبوعات گره خورده است

خانه مطبوعات استان بوشهر به دنبال ارتقاء سطح کیفی روزنامه نگاران و نویسندگان بوشهری با فراهم آوردن زمینه های مطلوب در این جهت گام برمی دارد و این بار با دعوت استاد علی دهباشی صاحب امتیاز و سردبیر مجله ادبی بخارا نشستی با مضمون فرهنگ و مطبوعات برگزار کرد.

استاد علی دهباشی در جمع روزنامه نگاران و نویسندگان بوشهری گفت: «در همه جای دنیا کسانی که وارد حوزه های فرهنگ، هنر و ادبیات می شوند به ندرت به دنبال قدرت و یا ثروت می روند و آنها می خواهند با این نوع زندگی شان نشان دهند که با نوع دیگری از گذران زندگی که مسلط بر محیط است حرف بزنند و به نوعی در جست جوی جای پا و ادای دین و نشان گذاشتن به آنچه که به عنوان نعمات زندگی در اختیارشان است به فرهنگ خانواده، شهر و یا سرزمینی که در آن زندگی می کنند و در تعبیر بالاتر به فرهنگ جهانی و انسانی و بشریت پاسخ می دهند.»

وی با اشاره به احوال بزرگان فرهنگ ایران و بوشهر افزود:« با مطالعه در احوال بزرگان فرهنگ ایران، بوشهر می بینیم که این جست و جو و این حرکت را با هزینه های سنگینی از بابت زندگی شان پرداخت کردند چرا که از آن نوع گذران عبور کردند بنابراین به کمترین قانع هستند و در کارشان با بالاترین هم قانع نمی باشند.»

استاد دهباشی گفت: «علاقه مندان فرهنگ، هنر و ادبیات در هر جای جهان در نهایت با این سوال و پرسش مواجه می شوند که چگونه می توانند نوع دیگری از تفکر درباره زندگی، انسانیت و فرهنگ را ارائه دهند و و در این میان هر کسی این موضوع را با بیان و با حوزه امکانات و محدودیت ها و شرایطی که دارد بیان می کند و در سرزمین ما هم نمونه های زیادی وجود دارد که می توان به زندگی فردوسی اشاره کرد که در جای خود نمونه عبرت انگیزی ست و همچنین دهخدا و اگر آدم بزرگوار و با فرهنگی مانند دکتر مصدق نبود، معلوم نبود که چه بر سر فرهنگ لغت او می آمد برای اینکه او توانست در موضع یک شخص صاحب قدرت، این امکان را به وجود بیاورد و بودجه ای را در مجلس به تصویب برساند که این لغت نامه بتواند ادامه پیدا کند و ما الان صاحب چنین فرهنگی هستیم.»

نقش مطبوعات در حوزه فرهنگ و ادبیات

سردبیر مجله بخارا با اشاره به نقش مطبوعات در حوزه فرهنگ و ادبیات طی صد ساله گذشته گفت: «طی صد سال گذشته آنچه که در عرصه مطبوعات در حوزه فرهنگ و ادبیات مهم بوده این بوده که از نخستین نشریه ها و روزنامه ها همیشه بخش هایی را به مطالب ادبی و هنری اختصاص می دادند. از روزنامه اعتماد السلطنه گرفته تا مجله دانشکده (البته اگر مجله دانشکده را به عنوان اولین مجله ادبی بپذیریم) ملاحظه می کنید که همواره اینها به یک سری از نیازهای فرهنگی و ادبی شان پاسخ می دادند، در سرمقاله هایی که در مجله دانشکده و بعد در نشریات دیگر نوشته اند سعی بر آن است که یک جوری آشنایی خودشان را با ادبیات، و تاریخ به صورت جدید و بعد از انقلاب مشروطیت نشان دهند؛ اولین ترجمه های جدی از نویسندگان بزرگ آن روزگار در آن نشریات به چاپ رسید و ما با شیوه های جدید داستان نویسی، شعر و وجوه دیگری که در ادبیات فارسی بود آشنا کرد.»

اهمیت یافتن نشریات ادبی

استاد علی دهباشی در ادامه صحبت هایش با عنوان چگونگی اهمیت پیدا کردن نشریات ادبی گفت: «در واقع در ابتدا ارگان انجمن های ادبی بودند و در دوره های بعد به خصوص از شهریور ۲۰ می بینیم که مهم ترین نویسندگان ایران توسط این روزنامه ها و مجلات معرفی شدند. برای نمونه صادق هدایت نخستین داستان های خودش را در مجله سخن منتشر کرد، جلال آل احمد و صادق چوبک نیز به همین صورت، یعنی تنها امکان معرفی استعدادهای موجود در جامعه روزنامه ها و نشریات ادبی بودند حتی خود نیما یوشیج در ابتدای کار در کنار نشریات ادبی که حزب توده منتشر می کرد معرفی شد و حزب توده به دلیل اینکه سعی می کرد نوگرایی و مدرنیزم را در عرصه شعر و ادبیات برای خودش بوجود آورد عناصری چون نیما یوشیج در عرصه شعر و داستان نویسی را معرفی می کرد و بعد جامعه به علت اینکه این نشریات با اقبال روبرو می شد با این عناصر آشنا می شدند.»

وی خاطرنشان کرد:« اگر این نوع مطبوعات و نشریات ادبی نبودند معلوم نبود که چگونه بتوانیم این نویسندگان را بشناسیم چون امکان دیگری نبود در حالی که کتاب هنوز به آن صورت در جامعه ما برد وسیعی نداشت و اگر هم داشت آن نویسندگان نمی توانستند با کتاب معرفی شوند ولی در نشریات این امکان بوجود می آمد. و این را در سال های بعد در نشریات ادبی چون آرش، نگین، فردوسی و در درجات گوناگون فرهنگی منتشر می شد.

مجله آرش مجله ای بود که سهراب سپهری را به جامعه ادبی ایران معرفی کرد و اولین شعر سهراب سپهری "صدای پای آب" نیز در مجله آرش منتشر شد و به علت اهمیتی که این مجله در آن شرایط داشت سهراب سپهری یک شب ره صد ساله را در معرفی خودش طی کرد و بعد فروغ فرخ زاد را که "تولدی دیگر" مهم ترین شعر او می باشد در مجله آرش به چاپ رسید، همچنین شعرهای مرحوم اخوان ثالث در نشریه حسین رازی و دیگر نشریات موجود در زمان خودش چاپ شد که مهم ترین شعرهای او اولین بار در این نشریات منتشر شده بود.»

نقش نشریات و مطبوعات در عرصه داستان نویسی

وی همچنین با اشاره به نقش نشریات و مطبوعات در عرصه داستان نویسی گفت: « در عرصه داستان نویسی و رمان، مرحوم غلامحسین ساعدی و از نسل قبل تر بزرگ علوی، صادق چوبک و بعد جلال آل احمد، سیمین دانشور و بهرام صادقی از جمله نویسندگانی بودند که بوسیله نشریات و مطبوعات ادبی و گاهی بوسیله نشریات محلی خودشان (که به صورت جنگ های ادبی در شهرها منتشر می شد) منتشر می شد و این نشان می دهد که مهم ترین شاعران و نویسندگان سال های بعد نخستین کارهایشان را در نشریات منتشر و معرفی کردند و بعد مورد نقد و بحث قرار می گرفتند و در کنار این معرفی ها جریان های ادبی شکل می گرفت که این جریان های ادبی از سطح کلاسیک، تا مدرن باز هم در حاشیه این نشریات ادبی شکل می گرفت. (گروه جنگ اصفهان که در زمان خودش کمتر و در سال های بعد به یک جریان ادبی تبدیل شد که نویسندگان و مترجمینی که سال های آغاز کار خود را در جنگ اصفهان آغاز کردند نظیر ابوالحسن نجفی، هوشنگ گلشوری، محمد حقوقی و ... می بینید که اولین آثارشان را در این جنگ ها و بعد در نشریات ادبی تهران منتشر کردند و حتی در سال های بعد هر کدام به یکی از ستون های گرایش های گوناگون ادبی در عرصه شعر، نقد شعر، داستان و ترجمه تبدیل شدند.)

از بین رفتن استقلال ادبی

سردبیر مجله بخارا با اشاره به از بین رفتن استقلال ادبی در سال های اولیه انقلاب گفت: «این روند همیشه وجود داشته تا سال های اولیه انقلاب به علت آنکه سیاست زدگی در اوج بوده این نویسندگان به گروه های مختلف تقسیم شدند و در واقع احزاب سیاسی صاحب نشریات ادبی شدند و آن استقلال ادبی که در سال های قبل وجود داشت از بین می رود و از این بابت ادبیات و فرهنگ و هنر صدمه می بیند به دلیل اینکه این گروه های سیاسی بنا به خواستگاه اجتماعی خودشان به دنبال یک نوع تقسیم بندی خاصی از ادبیات و شعر و هنر بودند که لزوما آن نویسندگان نمی توانستند در چارچوب قرار بگیرند ولی چون یک تعهد حزبی داشتند و ما دوره ای را (از سال ۵۷ تا ۶۰) می بینیم که دوره رخوت است دوره ای ست که بیشتر هنرمندان ما به بلندگوهای سیاسی از جهت هنری برای احزاب و گروه های گوناگون تبدیل می شوند و نشریاتی که آن موقع منتشر می شد مانند شورای نویسندگان و هنرمندان که وابسته به حزب توده بودند و جریان های دیگر عمق و یا خلاقیتی در این مطالب مشاهده نمی کنیم به این دلیل که اینها باید برای گروه سیاسی مورد نظرشان شعر می گفتند و در آن زمان آن گروه اعتقادات خاصی داشتند و آنها باید در آن چارچوب قرار می گرفتند در واقع به عبارتی دیگر فرهنگ و هنر و ادبیات یک نوع ایدئولوژی زده می شود و ورود این ایدئولوژی به این عرصه باعث مرگ هنر و ادبیات می شود.

آغاز استقلال نشریات

استاد علی دهباشی گفت :« از سال های ۶۰ به بعد است که کم کم جوانه های استقلال نشریات و نویسندگان و شاعران و هنرمندان آغاز می شود و شما می بینید که کم کم نشریاتی ظهور پیدا می کنند که تصویر عمومی تر، کلی تر و نسبتا گسترده تری را از شعر، ادبیات و زمینه های دیگر منعکس می کنند و فارغ از ایدئولوژی های سیاسی احزاب آن زمان، این امکان به وجود آمد که دوباره خلاقیتی حرکت پیدا کند و ما صاحب نشریات متنوع ادبی و در گرایش های گوناگون می شویم.

کم کم نشریات محلی ایران از ایدئولوژی های سیاسی فاصله می گیرند و به مفهوم ادبیات و هنر می پردازند و استعدادهای جدیدی که در جامعه شکل گرفته بود امکان پیدا می کنند که آثارشان را منتشر کنند و همان طور که می دانید نسل جدیدی از نویسندگان و شاعران متولد می شوند و عرصه داستان نویسی به نسل سوم و چهارم شهرت پیدا می کنند یا در عرصه شعر نقد ادبی و در رمان این امکان را در خوابیدن احزاب سیاسی بدست می آوریم و بعد می بینیم که در کنار این نشریات ادبی جریان های ادبی شکل می گیرند، کلاس های داستان نویسی که نمایانگر سلایق گوناگون ادبی ست.

چند صدایی در عرصه مطبوعات بویژه، مطبوعات ادبی در ارتقاء سطح ادبی جامعه و زبان جامعه کمک می کند و بخش دیگری از این نشریات ادبی به علت مهاجرت عده ای از نویسندگان و هنرمندان به خارج از کشور باعث شد که نشریات ادبی در خارج از ایران بوجود آید که در ابتدا به علت زمان و مکان انتشار سیاسی است و به تدریج به تعمق و تعقل می رسند و به طرح پاره ای از معضلات و مسائل ادبی زمان خودشان می پردازند. حیات ادبی ما همواره با سرنوشت مطبوعات و مطبوعات ادبی گره خورده.

حوزه ادبیات سیاسی

وی با اشاره به حوزه ادبیات سیاسی گفت: در سال های بعد از انقلاب به ویژه در ۷-۸ سال اخیر در حوزه ادبیات سیاسی، جامعه دچار تحول شده و نسبت به سال های ۳۲ به بعد می بینید که یک نوع ادبیات سیاسی که قوی است و نویسندگان جوان خودش وارد عرصه این کار می شود و آنها به علت طرح نوع مسائل اجتماعی شان با توبیخ و گرفتاری مواجه می شدند و می توان گفت که در هیچ دوره ای از تاریخ مطبوعات ایران در طول این ۷- ۸ سال اخیر این مقدار حجم تولید مطلب در عرصه مسائل سیاسی و اجتماعی نبوده. نویسندگان جوانی که تجربیات اولیه شان را در مطبوعات اجتماعی روزانه انجام می دادند شکل می گرفتند و در آزمون خطا حرکت می کردند و بعد به روزنامه نگارانی تبدیل می شدند که در عرض چند سال، تجربه ۳۰ ساله کار را به همراه دارند.

عدم تداوم مطبوعات و نشریات ادبی در ایران

استاد علی دهباشی در خصوص عدم تداوم مطبوعات و نشریات ادبی در ایران گفت: در ایران هیچ وقت مطبوعات و نشریات ادبی از تداوم برخوردار نبودند. روزنامه های دنیا قدمت ۸۰ و یا ۹۰ ساله دارند. اما در اینجا به علت ناپایداری سیاسی- اجتماعی روزنامه ها همیشه صف اول بودند و بعد بنا به دلایل سیاسی تعطیل شدند.

دو عامل مهم وجود داشته: نخست اینکه نشریات مستقل ادبی همیشه با مشکل مالی مواجه بودند و تعطیل می شدند.

و دوم کار جمعی ست. اگر نشریات سخن و یغما ۳۵ سال و نگین ۱۵ سال و ... به این صورت دوام داشتند به این خاطر بود که یک نفر نشست و کار کرد و حرف زد و عمل کرد. ما در خیلی از زمینه ها تجربه کار جمعی نداریم و این هم یک نمونه از آن است.

انگیزه ای که با آن فصلنامه بخارا شکل گرفت

بخارا شهری بود که من را تکان داد و هر کسی که با فرهنگ و ادبیات ایران آشنایی داشته باشد لازم است که این دو شهر را ببیند .همان طور که می دانید اولین دولت ایرانی در بخارا تشکیل شد و اوج رونق گرفتن فرهنگ و ادبیات در بخارا و بعد سمرقند اتفاق افتاد و قرن ها کانون فرهنگ و هنر و ادبیات ما بوده و آنها در طول ۷۹ سال به علت قرن ها شیفتگی به زبان فارسی توانستند فرهنگ خودشان را حفظ کنند. به یاد این گذشته پر افتخار تاریخی و فرهنگی و با یاد رودکی بزرگ نام بخارا انتخاب شد.

آنچه که به عنوان جغرافیای فرهنگی ما مهم است (چون جغرافیای سیاسی را نمی توانیم تغییر بدهیم این مرزهای سیاسی ست که هم آنها پذیرفتند و هم ما) پهنای وسیعی از جمله افغانستان و بخشی از هندوستان حوزه نفوذ زبان فارسی است و متاسفانه کم توجهی ای که صورت می گیرد این است که امکان بالقوه ای که زبان فارسی در اختیار دارد که سرزمین های وسیعی را در بر می گیرد از دست می دهد ولی آنها علاقه بیشتری دارند به خواندن، ۴۰۰ نسخه از بخارا در تاجیکستان و افغانستان به طور جدی خوانده می شود و این بسیار مهم است.

دنبال کنندگان اصلی فرهنگ

دوستان همیشه بدانند که هیچ گاه دولت ها دنبال کار فرهنگ نیستند. کار فرهنگی جدی و اصیل را کسانی می کنند که دغدغه این کار را داشته باشند. اینجا سرزمینی ست که درختان تنومندی همچون عبدالحسین زرین کوب، نیما یوشیج، قزوینی، چوبک و ... در خود دارد، کسانی که انگیزه های عمیق فرهنگی در آنهاست و منجر به این می شود که از خیلی چیزها بگذرند تا به چیزهایی برسند که حداقل در زمان حیاتشان ملموس نیست.

کاری که در این زمینه انجام می شود در واقع دغدغه های شخصی افراد نسبت به مملکت و فرهنگشان است. برای این کارها حتما باید انگیزه درونی در آدم باشد.

تاثیر ایدئولوژی بر ادبیات

اصولا هر ایدئولوژی که وارد ادبیات شود مرگ ادبیات اتفاق می افتد چون می گویند چه چیز را بنویس و چه چیز را ننویس، به چه چیز فکر کن و به چه چیز فکر نکن. ایدئولوژی برنامه ریزی ای دارد که می گوید باید در خدمت آرمان های حزب و یا آرمان های طبقه کارگر بنویسید و در این چارچوب باشید و وقتی که وارد این چارچوب می شویم مرگ ادبیات اتفاق می افتد چون ادبیات نمی تواند دستور پذیر باشد و شما می بینید که مهم ترین نویسندگان ایران حذف می شوند به دلیل اینکه ایدئولوژی در کار آنها دخالت می کند در صورتی که اگر ایدئولوژی نباشد ارزش های افراد حفظ می شود.

عدم شرکت در کار جمعی و اجتماعی و فرهنگی

استاد دهباشی با اشاره به عدم شرکت در کار جمعی و اجتماعی و فرهنگی گفت :«ما ادعاهای زیادی در عرصه اجتماعی ، سیاسی و... داریم اما حاضر نیستیم در یک عمل اجتماعی شرکت کنیم، کوچکترین عمل اجتماعی این است که هر صبح روزنامه بخریم.

دانمارک ۶ میلیون نفر جمعیت دارد و تیراژ روزنامه صبح آنجا ۴ میلیون است اما ما ۷۰ میلیون نفر جمعیت داریم و کل تیراژ روزنامه های صبح و عصر ما به یک میلیون نمی رسد. در اینجا مسئله دولت و وزارت ارشاد مطرح نیست بلکه اینجا ما هستیم که حاضر نیستیم در یک عمل اجتماعی و در یک کار جمعی شرکت کنیم، اولین نشانه این کار جمعی این است که هر روز صبح پای دکه ای بایستیم و روزنامه بخریم.

برخی از این مسائل به خود ما بر می گردد و عدم تربیت ما در کارهای اجتماعی و جمعی و فرهنگی و در مورد مطبوعات هم همین طور است. هیچ نشریه ای نمی تواند به امید کمک های وزارت ارشاد و ... باشد. باید در نسل جوان خودمان نگاه کنیم، چند درصد از آنها کتاب می خوانند و چند نفر این عادت به مطالعه را دارند؟ اینها مسائلی ست که به خود ما برمی گردد و تربیتی که پدر و مادران ما کردند و ما برای فرزندان مان خواهیم کرد. عادت به خواندن به هیچ چیزی ربط ندارد یعنی جزء هزینه های مسلم و قطعی و غیر قابل انکار برای ما است، هرموقع این اتفاق بیفتد می توان امید داشت که یک نشریه و یک کار فرهنگی دوام داشته باشد .

این همه گالری و نمایشگاه نقاشی برپاست اما غالبا خالی ست چون ساعت ها حاضرند پای ماهواره بنشینند اما حاضر نیستند به یک نمایشگاه نقاشی و یا عکس بروند و اینها کارهایی ست که از هر جهت با فرهنگ ما ارتباط پیدا می کند و تا ما اینها را نپذیریم، نمی توانیم دوام داشته باشیم.

جامعه ای که اینقدر نسبت به سرنوشت فرهنگی خودش بی تفاوت باشد، ما زورمان می آید برای فرهنگی خرج کنیم. می گوییم کتاب گران است، مجله گران است اما در جاهای دیگر در مقابل گرانی های دیگر سکوت می کنیم و این عادت بد فرهنگی ست که وجود دارد و این یک گرفتاری ست که به هیچ حکومتی ربطی ندارد و به خودمان برمی گردد و خرید کتاب و مجله باید جزئی از کارمان باشد.

کتاب خوانی و مطالعه بدون تردید باید از سنین کودکی آغاز شود، هیچ وقت نمی توانیم در سنین بالا کسی را وادار کنیم، بخشی از این کار به دولت مرتبط است و بخش مهم دیگر آن مربوط به ما و خانواده است. این فرهنگ سازی فقط و فقط از سنین کودکی اتفاق می افتد.



فرهنگستان ها و مردم

وی در خصوص ارتباط موجود بین فرهنگستان و مردم گفت: فرهنگستان دوره های مختلفی داشته و تمام کوشش هایی که از گذشته شده ارزشمند است اما فرهنگستان ها همیشه مشکلی با مردم داشتند و این بوده که مردم مهم ترین فرهنگستان و داور در مورد واژه ها هستند. فرهنگستان ها به علت اینکه در نگاه آکادمیک در زبان افراط می کردند و همیشه دور از مردم تصمیم می گرفتند و واژه هایی را وضع می کردند که هیچ وقت شکل نمی گرفت و یا پذیرفته نمی شد و تنها برخی از آنها پذیرفته می شد، به نظر من اصرار در فارسی نویسی افراطی اشتباه است به این دلیل که تکنولوژی آن چنان با سرعت ثانیه به ثانیه پیش می رود که هیچ طریقی برای آن نیست که ما بخواهیم بایستیم بنابراین برخی از این اصطلاحات و واژه ها وارد می شوند و در زبان جا می افتند و هیچ مانعی ندارد. زبان خودش را زنده نگه می دارد اینکه زبان انگلیسی توانسته خودش را به عنوان زبان اول حفظ کند برای آن است که تعصب به خرج نداده و باز گذاشته شده است، اما ما افراطی برخورد می کنیم، واژه ها پذیرفتنی هستند اما جامعه دقیق ترین و بالاترین میزان نسبت به زبان است یعنی نسبت به بعضی واژه ها مقاومت می کند و نمی پذیرد اما بعضی دیگر را می پذیرد و در واقع فرهنگستان واقعی باید فرهنگستان مردم باشد به همین دلیل شما می بینید که بسیاری از واژه ها در همان واژه نامه فرهنگستان مدفون می شود ولی بسیاری دیگر نیز راه می افتد ولی من با هر دو افراط هم فارسی نویسی افراطی و هم پذیرفتن هر نوع واژه ای موافق نیستم و معتقدم که زبان باید باز باشد که این جریان تازه ادبی، فرهنگی و علمی به خودش بگیرد.

نقطه دفاعی درونی زبان

وی در پایان گفت :«از باز گذاشتن زبان نباید ترسید زبان فارسی بیدی نیست که با این بادها بلرزد شما از روزی بترسید که روزنامه ها و مجله ها فارسی می گویند اما شما نمی فهمید که چه می گویند. از وجود واژه های بیگانه نترسید برای اینکه زبان یک نقطه دفاعی درونی در خودش دارد یعنی اگرتمام رسانه ها بر سر واژه ای به توافق برسند اما اگر ضرورت آن در جامعه حس نشود، بی اثر است.

زبان موقعی می میرد که بسته باشد و کهنه شود و در آن مقاومت شود و مردم در کوران آن قرار نگیرند حتی اصطلاحات جوانان جدید که آمده و همه در مقابل آن می ایستند غلط است این اصطلاحات برای این نسل است و این نسل در این مملکت زندگی می کند و ما نمی توانیم منکر این نوع زندگی شویم، این واژه ها و اصطلاحات آمده و یک جامعه جوان با اینها سر و کار دارد و این مقاومت ها بی فایده است باید بپذیریم اما کاری را که باید بنیادی انجام شود این است که جامعه با سرچشمه های زبان بیشتر آشنا شود.

بنابراین کاری را که باید کرد این است که نویسنده امروز اگر تاریخ بیهقی نخوانده باشد و یا شاعر امروز رودکی و حافظ و مولانا را نخوانده باشد و متن و یا شعری را بنویسد مانند بسیاری از شعرهای معاصر می شود که به وسعت اقیانوس اما به عمق بند انگشت است. روزانه ده ها دفتر شعر منتشر می شود اما یک سطر از آنها باقی نمی ماند به آن دلیل که شاعران و جوانان معاصرما حاضر نیستند که با سرچشمه های زبان آشنا شوند. و اگر شاعرانی چون اخوان ثالث و دیگر شاعران اینقدر مضامین ساده را به این عمق و وسعت مطرح می کنند به این دلیل است که با سرچشمه های زبان همساز و غمخوار بودند .

از هجوم لغات بیگانه به زبان نباید ترسید و وحشت داشت برای اینکه نسبت به پذیرش و عدم پذیرش، در درون زبان قوه دفاعی وجود دارد. از آن باید ترسید که نویسنده امروز حاصل مطالعاتش چند ترجمه و کمی کتاب باشد.»

فرودگاه بین المللی بوشهر و یک ویلچر



میثم قیصی زاده: معمولا فرودگاه های بین المللی دنیا دارای تجهیزات و امکانات بی شماری است که رقابت در بین آنها برای ارائه بهترین کیفیت خدمات، حائز اهمیت است. ارائه سرویس های هرچه مجهزتر نه تنها باعث رقابت بین آنها بلکه باعث جذب مسافران و گردشگران بیشتری نیز می شود و رضایت مسافران در درجه اهمیت بسیار بالایی برای آنها قرار دارد.

در این بین فرودگاه بین المللی بوشهر حال و هوایی دیگر دارد. فرودگاهی که از لحاظ امکانات در سطح پایینی قرار دارد. برای مثال یک نمونه ار آن چیزی را که اخیرا اتفاق افتاده را شرح می دهم تا بیشتر با فقر امکانات این فرودگاه آشنا شویم. البته هدف از این نوشتار فقط برطرف کردن مشکلات و یاری رساندن به مسوولین برای ارائه هرچه بهتر خدمات به مسافران است نه تخریب و ایراد گیری.

در روز ۲۲ بهمن پرواز ساعت ۵ بعدازظهر از بوشهر عازم تهران بود. این پرواز با تاخیر ۳ ساعته ساعت ۸ از بوشهر بلند شد. البته این تاخیرها در پروازها به امری کاملا عادی تبدیل شده و دیگر کسی حتی شکایتی از این تاخیرها نمی کند.

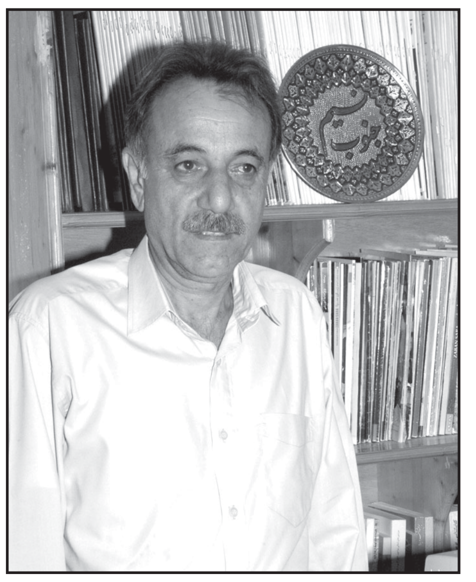
اما مسئله اصلی چیز دیگری بود. در این پرواز یک معلول عزیزی نیز بود که با این پرواز عازم تهران بود و برای سوار شدن به هواپیما نمی توانست با پله سوار هواپیما شود و لاجرم نیاز به یک ویلچری بود که وی را به درون هواپیما ببرند. خلاصه این طرف و آن طرف رفتن ها کاری نکرد و در این فرودگاه بین المللی یک ویلچر برای حمل یک معلول پیدا نشد و بالاخره وی را با گاری های حمل بار به درون هواپیما منتقل کردند! چندی پیشتر نیز دوستی تعریف می کرد که در سفری از تهران به بوشهر در پرواز به دلایلی حال وی وخیم می شود و موقع پیاده شدن مسافران، وی از مهماندار تقاضای آمبولانس! می کند به خیال اینکه با ویلچر یا برانکارد و ... وی را به درمانگاه انتقال خواهند داد. خلاصه بعد از دقایقی دو کارگر فرودگاه وارد هواپیما می شوند و به قول بوشهری ها چک و لنگ بیمار را گرفته و با وضعیتی ویژه! وی را از هواپیما خارج می کنند.

بهر حال اینگونه صحنه ها آن هم برای یک فرودگاه بین المللی اصلا جالب نیست. فرودگاهی که افراد زیادی حتی از کشورهای خارجی در آن رفت و آمد می کنند باعث ایجاد صحنه های مضحکی می شود. خلاصه عاجزانه از مسوولین می خواهیم که به داد این فرودگاه برسند و حداقل یک تیم کوچک پزشکی با حداقل امکانات را در این فرودگاه مستقر کنند تا دیگر این چنین صحنه هایی شکل نگیرد.

گفت و گویی با محمدرضا حمزه بیان؛عکاس توانمند بوشهری:

تاکنون دور و برم را رنگی ندیده ام

مصاحبه از مهدی جهانبخشان



– از خودتان شروع کنیم، چه سالی متولد شدید، در چه محله ای و چه مدرسه ای می رفتید و باقی قضایا؟

– در آذر ماه۱۳۲۶در بوشهر ،محله ی قصاب ها متولد شدم و در دوره دبستان را در مدرسه ملی سعادت پایان رساندم و دبیرستان هم در داریوش کبیر و بعد هم خدمت سربازی و سال ۱۳۵۰نیز در بانک استخدام شدم.

– چه طور شد که با هنر آشنا شدید و اصولا مشوق شما برای پرداختن به هنر چه کسی بود؟

– هنر با عشق شروع می شود و با عشق هم به پایان می رسد. من هم با عشق شروع کردم و هنوز هم عاشقانه به هنر و هنرمند نگاه می کنم. مشوق من در عکاسی، سینما بود که من را به کوچه و بازار و زندگی روزمره مردم کشانید. ثبت لحظه ها و عشقی که به مردم داشتم هیچ وقت من را عوض نکرد و هنوز هم با عشق و علاقه به مردم فکر می کنم و به آن ها و حضورشان عشق می ورزم.

– هزینه ی عکاسی را با توجه به این که آن موقع چاپ و ظهور عکس هزینه بردار بود، از کجا تامین می کردید؟

– راستش را بخواهید من از روزی که شروع به کار کردم تقریبا کلیه ی درآمد ماهیانه ام را به مدت هشت سال تمام خرج عکاسی کردم، یعنی من خودم عکس می گرفتم و خودم آن را ظاهر می کردم و چاپ اگرندیسمان و کلیه امور مربوطه ی دیگررا در تاریک خانه کوچکی که در منزل داشتم انجام می دادم.

– آیا برای هنرعکاسی مطالعه هم می کردید؟ کتاب های در ارتباط با هنرعکاسی و هم کتاب های رمان و شعر و ... اصولا مطالعه چه قدر در پیشبرد و تعالی هنر هنرمند موثر است؟

– اصولا با مطالعه و کتاب می توان در هنر راه خود را پیدا کرد، یعنی از حافظ شروع کردیم و شاملو – اخوان – آتشی و ... و دیگران در شعر و در رمان از صادق هدایت شروع کردیم و به کافکار و تولستوی و صادق چوبک و دیگران رسیدم و هنوز هم در مطالعه خیلی باید خواند و خواند تا بتوان خود را شناخت و درباره دیگران اظهار نظر کرد. نه این که گفت فلانی این طور است و فلانی آن طور. خیلی باید بیاموزیم تا بتوایم چیزی به دیگران یاد بدهیم.

– فضای ادبی، هنری آن موقع به چه صورت بود؟

– متاسفانه، و فضای ادبی آن زمان خصوصا سال های پنجاه بی نهایت سخت بود حتی با اشخاص که زیر نظر بودند صحبت می کردی مورد بازخواست قرار می گرفتی و خیلی مسایل دیگر که وارد این قضیه نمی شوم چون در این مورد تاکنون خیلی حرف ها زده شده است.

– فضای سیاسی شهر بوشهر اصولا به چه شکل بود و آیا برای کار عکاسی که هنری است که باید دوربین را در دست گرفت و کوچه و خیابان را زیر پا گذاشت، مشکلی هم داشتید؟

– در آن زمان با دوربین در دست و در کوچه و خیابان فلاشی زدن با مشکلات عدیده روبه رو می شدم و همیشه حس می کردم که کسی در پشت سرم است و راه را می پاید ولی برایم اهمیت نداشت و برای ثبت لحظه ای که می خواستم ساعت ها مرا در خود فرو می برد.

– در این راه چه کسانی با شما هم قدم بودند؟

– در آن سال ها دوستان زیادی با من بودند که واقعا آن ها را خیلی دوست داشتم همیشه و همه جا با هم بودیم حتی بعضی از آن ها مرا راهنمایی می کردند خصوصا آقای پرویز هوشیار که خیلی چیزها از او یاد گرفتم و در زندگی روزمره از آن استفاده نمودم استاد نعمتی زاده که روحش شاد باد، در زندگی هنری ام او را ستایش می کنم. خاطرات زیادی از این مرد بزرگ دارم.واقعا استاد بود و من همیشه خودم را در برابرش خیلی کوچک می انگارم.

– سینما چه وضعیتی داشت؟ آیا سینما هم کار می کردید؟

– گفتم عشقم سینما بود یک فیلم کوتاه سیاه و سفید هم به نام نقاشی من قشنگتر است، درست کردم ولی تاکنون جایی نمایش داده نشده و فکر می کنم دیگر وجود خارجی نداشته باشد.

– در حال حاضر هم کار عکاسی انجام می دهید؟

– متاسفانه در حال حاضر عکاسی کار نمی کنم چون هزینه خیلی زیادی دارد که از عهده من بر نمی آید ولی دوربینی دارم که گاهی تلنگری به آن می زنم و سعی می کنم بیشتر مطالعه کنم.

– آیا کتابی هم با عکس هایی که گرفته اید در دست تدوین دارید؟

– این سوال شما قدری دلم را رنجاند باید رک بگویم بله– ولی تاکنون ناشری نیافته ام که مرا یاری دهد .

– آیا با عکاسان مشهور کشور هم در ارتباط هستید و اصولا عکس های کدام یک از عکاسان معروف کشور را بیشتر مورد قبولتان است؟

– با عکاسان مشهور داخلی در ارتباط مستقیم نیستم. ولی عکاس های آقای کلانی را خیلی دوست دارم چون بیشتر عکاس های



مجموعه ی عکس هایی از بوشهر قدیم آماده چاپ دارم که مربوط به ۳۰ سال پیش می باشد. تاکنون به ادارات، بوشهر شناسان، ارشاد اسلامی و دیگر موسسات مراجعه کرده ام ولی هیچ کدام حاضر به همکاری جهت چاپ با من نشدند.

او رئالیسم است.

– در خصوص عکاسی سیاه و سفید و یا رنگی نظرتان چیست؟

– من در تمام زندگی گذشته ام بیشتر با فیلم های سیاه و سفید کار کرده ام و تاکنون دور و برم را رنگی ندیده ام. راستش عکس های سیاه و سفید یک زیبایی خاص نزد من دارند و من بیشتر می توانم نظرات خودم را با آن بیان کنم هر چند که امروز با پیشرفت علم و تکنولوژی عکس های رنگی هم جایگاه خاص خود دارد.

– چه خاطره ای از عکاسی کردن در آن سال ها دارید؟

– یک روز در مغازه ای که همیشه فیلم و کاغذ و داروهای عکاسی را ازآن می خریدم ایستاده بودم و جوانی وارد شد وازفروشنده سوالاتی کرد که طرف با بی توجه ای به او برخورد کرد و حاظر نشد به او جواب بدهد. من اطلاعات کمی که داشته در اختیار آن جوان گذاشته که در همین موقع فروشنده من و آن جوان را با زورازمغازه خود بیرون کرد و چراغ مغازه را خاموش کرد و شروع به ناسزا گفتن به من کرد که چرا این اطلاعات را در اختیار دیگران می گذاری و کار و کسب ما را خراب می کنی.

– شما به جز عکاسی، به هنر دیگری مثل سینما و یا کارهای ادبی مثل شعر و داستان هم می پردازید؟

– همان طور که گفتم علاقه زیادی به سینما دارم ولی با شعر و داستان هم بیگانه نیستم و راستش شعر و داستان است که به من عکاسی را آموخت و من به طرف خود کشید.

– من برادر دیگر شما آقای ماشاا... حمزه بیان را به خوبی می شناسم که او هم اهل هنر هست و حتی ایشان برای اولین بار از هلال پنجره های رنگی بوشهری در کارهای هنری اگر یادم نرفته باشد سال ۱۳۵۰ استفاده کرد آیا ایشان هم کار عکاسی می کنند و ارتباط هنری شما به چه صورت هست؟

– بله– برادرم بیشتر به کارهای طراحی و خط علاقه دارد و در این زمینه کارهایی هم انجام داده و همان طور که گفتید او برای اولین بار از پنجره های رنگی بوشهر در طرح هایش استفاده کرد و در این زمینه کارهایی انجام داد ولی هیچ کدام تاکنون نگهداری نکرده و عکاسی هم به صورت حرفه استفاده کرد و سال ها زندگی روزمره را با عکاسی می گذراند.

– اصولا در تقسیم بندی هنر عکاسی شما، چه ترتیبی مشاهده می کنیم. منظورم اینست که آیا با پرتره شروع کردید و با نماهای کوچه و خیابان ادامه دادید و یا بر عکس و نظرتان در مورد عکاسی جدید که بیشتر به رنگ و زاویه ی دوربین توجه دارد چیست؟

– من عکاسی را از کوچه و بازار و مردم عادی شروع کردم و بعد به پرتره رسیدم و اصلا عکاسی باید با زاویه و دوربین و موقعیت زمان توجه شود و در غیر این صورت نمی توان آن تصویر مورد توجه را خلق کرد اما امروز با وسایل جدید و دوربین های پیشرفته و به راحتی می توان عکس گرفت و چه عکسی!

– از بوشهر قدیم هم برایمان بفرمایید؟

– بوشهر برایم همیشه زیبا بوده و با همان مردمان خوش و همان شرجی و گرمایش و من همیشه و عاشقانه به بوشهر عشق می ورزم. از جواد جاروفی تا ملاله تیک تیک تا کوچه های خالی و تنگ و طاق های متعدد بازارهای قدیم که صبح که مغازه ها باز میشد تا شب دکان ها همه باز بودند و ظهرها صاحبان دکان ها فقط روی لوازم خود توری می کشیدند و برای استراحت به خانه می رفتند بدون این که ترسی از این داشته باشند که کسی اجناس آن ها را به سرقت برد.

– حرف آخر ؟

– مجموعه ی عکس هایی از بوشهر قدیم آماده چاپ دارم که مربوط به ۳۰ سال پیش می باشد. تاکنون به ادارات، بوشهر شناسان، ارشاد اسلامی و دیگر موسسات مراجعه کرده ام ولی هیچ کدام حاضر به همکاری جهت چاپ با من نشدند.

خبر های هنری

فرید میرشکار بعنوان داور جشنواره تاتراستانی ماه یزد انتخاب گردید

فرید میرشکار هنرمند محبوب و محجوب بوشهری ، مسئول واحد نمایش حوزه و معاون فرهنگی هنری حوزه هنری استان بعنوان داور جشنواره تاتر استانی ماه یزد انتخاب گردید. جشنواره فوق اواخر بهمن ماه ۸۶برگزار می گردد. برای این هنرمند عزیز دیارمان آرزوی موفقیت می کنیم.

مستند چشمه های آب گرم استان

روابط عمومی حوزه هنری بوشهر: واحد پژوهش حوزه هنری استان بوشهر در راستای کیفی نمودن فیلم های تولیدی این حوزه کار تحقیق مستند چشمه های آبگرم استان بوشهر را آغاز کرد.مدیر تحقیق و پژوهش حوزه هنری استان اظهار امیدواری کرد که پس از پایان کار تحقیق، تصویربرداری این مستند آغاز خواهد شد.



فراخوان اولین جشنواره طنز نوشتاری

فراخوان اولین جشنواره طنز نوشتاری حوزه هنری بوشهر به زودی اعلام می شوددفتر طنز حوزه هنری استان بوشهر در بدو فعالیت، اولین جشنواره استانی طنز نوشتاری را در بخش های مختلف شعر– داستان– فیلمنامه و نمایشنامه و دست نوشته ها برگزار می نماید. موارد و چگونگی حضور هنرمندان و علاقمندان در این جشنواره به زودی بصورت فراخوان در سایت و نشریات محلی استان اعلام خواهد شد.

طنزوک TANZOOK
اولین جشنواره استانی طنز نوشتاری
حوزه هنری استان بوشهر

دفتر طنز حوزه هنری بوشهر عضو می پذیرد

دفتر طنز حوزه هنری بوشهر جهت برگزاری کارگاه های آموزش طنز و نشست های تخصصی در بخش های مختلف هنری، ادبی عضو می پذیرد. علاقمندان جهت آگاهی بیشتر می توانند با دفتر طنز حوزه هنری بوشهر به شماره ۲۵۲۴۰۸۳–۰۷۷۱ تماس حاصل فرمایند. آدرس: بوشهر– میدان قدس– بلوار رییسعلی دلواری– حوزه هنری بوشهر مراجعه فرمایند.

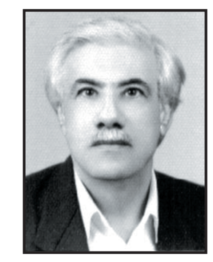
فیلم داستانی کوتاه سفر تدوین شد

فیلم داستانی "سفر" که با مضمون نماز از چندی پیش در جاده بوشهر– فارس کلید خورد پس از ۱۰ روز تصویربرداری ، عصر روز گذشته نیز تدوین آن به پایان رسید.فیلم داستانی "سفر" کار فیلم و عکس حوزه هنری در راستای گسترش فیلم سازی در حوزه هنری بوشهر تولید شده است. که کارگردانی آن به عهده خانم مهتاب ابراهیم زاده هنرمند بوشهری می باشد. وی که تحصیلکرده رشته سینما در آلمان است اظهار داشت کار موسیقی آن به عهده آقای اکبر ابراهیمی است که پس از ساخت موسیقی و میکس بزودی تولید آن به پایان می رسد.فیلم داستانی کوتاه "سفر" سرگذشت دختر جوانی است که تازه به سن بلوغ رسیده و به همراه پدر خود عازم مسافرت است ولی در بین راه با شنیدن صدای اذان از پدر خود می خواهد که نماز را اول وقت بخواند...از دیگر عوامل این سریال می توان به تصویربرداری داریوش اعتمادی، صدابرداری حسن شبانکاره، تدوین و صداگذاری حسین روشنکار و بازیگری مرتضی فیروزی– رمضان امیری– سکینه کشتکار– علی احمدی و مهری انصاری اشاره کرد.



مرثیه ای در سوگ برادرم عبدالمحمد زنگویی

عبدالمجید زنگویی



بگذار، ترانه ای بسرایم
و شروه ای بخوانم
در سوگ دردناک برادر
که درد را
تا عمق جان خویش
نمایش داد
و آن گونه اشک بریزم
«کز سنگ لاله خیزد» و
از چشم، جوی خون
بگذار، مرثیه ای بسرایم
در سوگ سروی بالا بلند
کز دست بادی پرهول
قد بلند و رسایش
در پیچ و تاب حادثه ای تلخ و ناگوار
خم شد، شکست
در کوچ قافله سالار راه عشق
کاندر پی اش
دریای غم گرفت قافله را
در بر
شاهین شکسته بال و عزادار دیدم
در ماتم پدر
در گوشه ای خزیده پر از درد
و آن سوی تر
شال عزا به گردن دارد
قمری مغموم
مردی که سنگ پایه ی شاهین را
بنا نهاد
در شهر آفتاب و آبی دریا
تا بوی پاک و سبز سلامت را
تا دورها، به پرواز آورد
دیدیم ناگهان
سرپنجه ی خشونت شاهینی از قضا
کبک وجود او را بربود
و آن هم چه زود
حادثه هر چند ناگوار
اینک
راهی دراز در پیش دارد
قافله ای، بدون قافله سالار
اما
باید که راه نیمه رفته را
پیمودناگزیر
بگذار، شروه ای بخوانم
دلسوز و جانگداز
تا نخل ها، گیسو، پریش سازند
و کوهسار
سیلی ز اشک
بر دشت و دره ها
جاری کند
و بلبلان گلستان
با درد و با دریغ
آواز سر دهند
از کوچ نابگاه رفیقی صدیق و راد

دل ای دل

محمد آذری – تهران

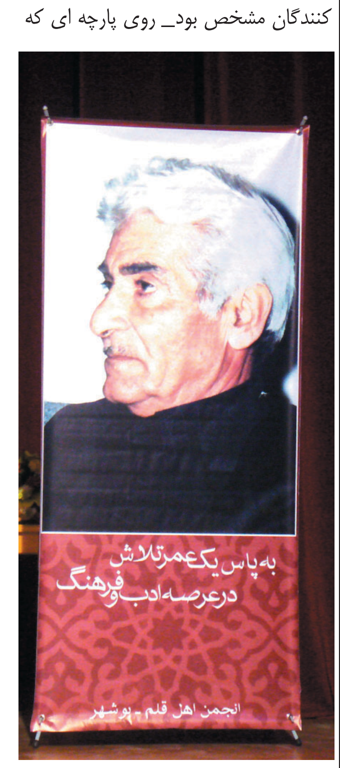
گناه تر آن بود که عاشق شدی
آسمان را نارنجی
درختان را ارغوانی
مادرت را بنفش
و خودت را عریان دیدی
و من در چشم های جنگی ات
سرخ به دنیا آمد
وقتی که چشم گشودی در پیرامون تر
جز من کسی نبود
همیشه ی زمان در کنارم ایستادی
و مدام آواز خواندی
ای دل، دل ای دل، حبیب من
دلی که هرگز
بر مداری قرار نگرفت
***
مرا به دل های قلبت پیوند زدی تا هرگز از تو جدا نشوم
فقط مرواریدی
که کوچه های بن بست را
یکی یکی تجربه می کردم
عشق بی کرانه کجا
و من پا در گل مانده کجا
گناه تو آن بود که عاشق شدی
سر بر شانه ام نهادی
«درد عشقی کشیده ام که مپرس »۱
چنان غرق شدی
که هیچ موجی
تو را به ساحل نیاورد
گناه تو آن بود که عاشق شدی
آتش مهر زبانه کشید
تو سوختی
و من خاکستر شدم
–۱ ازحافظ

پاسداشت سپیدموی اهل قلم

اسداله انصاری

دومین جشنواره ی قلم طلایی (داستان کوتاه) استان ، همزمان باروزجهانی داستان نویسی درمجتمع فرهنگی بوشهر برگزار شد. این جشنواره بهانه ای شد برای گرامی داشت استاد محسن شریف از مؤسسین انجمن اهل قلم استان، همچنین از نویسندگان دو، سه دهه ی اخیرعرصه ی داستان نویسی منطقه ی جنوب وکشور.

اتفاقی از موضوع باخبر شدم. تبلیغات چندانی صورت نگرفته بود._از تعداد شرکت کنندگان مشخص بود_ روی پارچه ای که



به این منظورتهیه شده بود، حتی ساعت برگزاری هم قید نشده بود. ساعت ۴/۳۰ خودرا به سالن رساندم.به جز تنی چند از مجریان برنامه، کسی راندیدم. تا برنامه آغازشود، یک ساعتی درسالن به انتظار نشستیم. کم کم برتعداد بینندگان افزوده شد. بدون مقدمه تصاویری بر پرده مبنی بر آغاز برنامه نقش بست. پس از استماع قرآن و سرود برنامه ی جشنواره رسما آغازشد.

مجری محترم برنامه برخلاف معمول برنامه های این چنینی، انگار دربرهه ای خاص تاریخی مانده باشد، به شیوه ی مقامات حمیدی مطالب خویش راقرائت می کرد. هر کجا که فرصتی به دست می آورد چشمه ی زاینده ی ذوقش را نثار مستمعین گرامی می نمود.

تا نوبت به استاد شریف برسد، دو، سه نفری از جمله مدیریت ارشاد، رئیس انجمن اهل قلم به ایراد سخنرانی پرداختند. خودرا آماده ی سخنان مبسوطی از استاد نموده بودیم اما ایشان بسیار کوتاه و با تواضع فراوان از برگزار کنندگان و سایر حضار در سالن تشکر کرد.

درسالن تقریبا تمامی سرمایه های فرهنگی شهر جمع بودند: آقایان دکتر حمیدی، زنگنه ، زنگویی، مشایخ، بصری ، احمدزاده، غریب زاده، عاشوری و تنی چند ازصاحبان هفته نامه های استان وسایر اهالی فرهنگ بوشهرو بعضا استان و یکی دونفر از استان های دیگر.

برای اهدای جوایز استاد،از آقایان دکتر حمیدی و شفیعی دعوت به عمل آمد. ازبیشتر نهادها ومحافل فرهنگی شهر واستان، استاد شریف مورد تقدیر قرار گرفته بود.

پس از تقدیر از ایشان ، نوبت به گزارش دبیر جشنواره، آقای جان احمدیان درباره ی کمیت وکیفیت آثار ارسالی به جشنواره رسید. ایشان بیان داشتند از آثار دریافتی، هفت مورد برای اهدا جوایز در نظر گرفته شده است. اشکالاتی که درباره ی آثار متذکر شدند ازاین قرار است:

–۱عدم کاربرد نشانه های سجاوندی درآثار
–۲وجود اشکالات فراوان زبانی درنوشته ها (املا ، دستور ، نگارش)
–۳اشکا لات فنی داستان نویسی

پس از اهدا ی جوایز به صاحبان آثار برتر ، جشنواره ی دوم به خوبی وخوشی به پایان رسید. درحالی که مدعوین دربیرون از سالن برگزاری، مشغول بررسی چند وجون برگزاری آن بودند.

ارزش این جلسات برهیچ کس پوشیده نیست. صمیمانه از همه ی برگزار کنندکان محترم ، تشکر می نمایم و برای آنان موفقیت آرزومندم.

لازم می دانم چند نکته را به نظر اهالی محترم انجمن اهل قلم برسانم :

–۱ تاچه اندازه انجمن محترم اهل قلم به عنوان تنها حامی ومرجع داستان نویسی درشهر و استان ، به حنبه ی آموزشی این نوع ادبی برای عموم، اهمیت می دهد؟

–۲ تاچه اندازه انجمن ، درمسئولیت خویش که همانا پشتیبانی از نوجویان است، موفق عمل کرده است؟

–۳ تاچه اندازه انجمن، درجذب نوجوانان وجوانان که از سرمایه های اصلی دراین زمینه هستند به عنوان پشتوانه، موفق بوده است؟

–۴آیا شده است که با یک نظر سنجی ساده، ویژگی ها ومشکلات انجمن مورد بررسی قرار گیرد؟

امید است این انجمن درکارهای آینده ی خویش باچشمانی باز با واقعیات روبه رو شود وبا برنامه ریزی مناسب و دقیق، هم چون امروز دچار گسستگی خصوصا در امر اجرا نشود.

آگهی تاسیس

شرکت: تعاونی خدمات کشاورزی و دامپروری ایلیا گروه ۲۸۸۳ تحت شماره ۶۶۴۹ در این اداره به ثبت رسید و در تاریخ ۸۶/۱۰/۳۰ تکمیل امضاء گردید و خلاصه اظهار نامه و اساسنامه آن به شرح زیر در روزنامه رسمی و کثیر الانتشار آگهی می شود: ۱– موضوع شرکت: ارائه خدمات کشاورزی و دامپروری به شرح ماده ۳ اساسنامه ۲–مرکز اصلی شرکت: بوشهر خ بهشت صادق – خ خبرنگار مجتمع آپارتمانی شهید پور بهی – بلوک اخلاص طبقه دوم تلفن – ۴۱۹۵–۷۷۲–۰۹۱۷

–۳سرمایه شرکت: مبلغ ده میلیون و پانصد هزار ریال می باشد که سه میلیون و پانصد هزار ریال آن طی گواهی شماره ۱۶۰۰/۱۳۵۵ – ۸۶/۱۰/۲۴ نزد صندوق تعاون بوشهر واریز گردیده است و بقیه در تعهد شرکاست ضمنا سرمایه شرکت منقسم به ۳۵ سهم ۳۰۰/۰۰۰ ریالی می باشد. ۴– مبداء شرکت: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود. ۵– مدیران شرکت: حسن ترکمان منش به سمت رئیس هیات مدیره مدیر عامل و حمزه علی ترکمان منش به سمت نائب رئیس هیات مدیره و لقمان ترکمان منش به سمت منشی همگی به عنوان اعضای اصلی هیت مدیره و مریم ترکمان منش به سمت عضو علی البدل برای مدت ۳ سال انتخاب شدند. (مدت تصدی مدیرعامل ۲ سال است) ۶– اختیارات و اشخاصی که در شرکت حق امضا دارند: کلیه اوراق مالی و تعهد آور شرکت با امضاء حمزه علی ترکمان منش و یا لقمان ترکمان منش به اتفاق حسن ترکمان منش همراه با مهر شرکت و سایر نامه های عادی و اوراق اداری با امضاء حسن ترکمان منش همراه با مهر شرکت معتبر و نافذ است. ۷– بازرسان شرکت: عزیز ترکمان منش و ارسطو ترکمان منش به ترتیب به عنوان بازرسین اصلی و علی البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند.

خسرو میرشکاری رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان بوشهر / م الف ۳۱۵۷

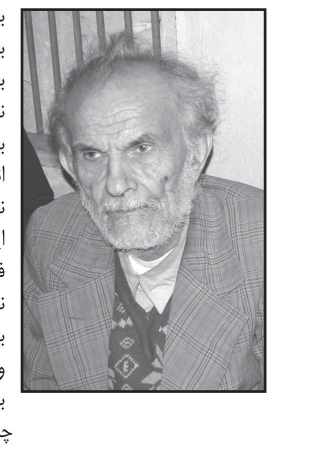
نسیم جنوب
۵
اجتماعی
شماره ۴۸۸ یکشنبه ۲۸ بهمن ماه ۱۳۸۶
NASIM JANOUB

بوشهر در آیینه ی زمان

تامین روشنایی کوچه های بوشهر به ابتکار سید حسین بلدیه

عبدالرسول جمالی تنگستانی

در عهد تصدی سید حسن سیادت در یک صد و بیست سال قبل چراغ هائی فانوسی در پیچ و خم کوچه های تنگ و باریک در نبش کوچه به دیوار آویخته که این برای اولین بار انسانی به نام شهردار چنین ابتکاری برای تامین روشنایی انجام داد. مامورینی به نام چراغچی برای انجام این کار استخدام که هنوز فامیل و شهرت هایی به نام چراغچی به سلامتی در بوشهر افتخار حضور دارند. وظیفه این چراغچی ها بدین ترتیب بود که غروب چراغ ها را با تکیه به دیوار روشن و صبح هم برای خاموش نمودن آن مجددا به وسیله پله هم زمان با خاموش نمودن در ظرف چراغ نفت می ریختند که این عمل بسیار جالب توجه مرحوم سیادت موجب خشنودی تجار و علمای آن روز بوشهر گردیده بود.



به سال ۱۳۴۵ که برق کافی به بوشهر داده شد شهرداری این فانوس ها را جمع کرد و سال ها در محوطه شعبه تنظیف که جای اتوبوس رانی امروزی بود ریخته بود و به مرور از بین رفت و پوسید و به دور ریخته شد. بنده یک عدد از آن فانوس ها را که واقعا طراح آن استاد قابلی بوده نگه داشتم که امروزه جلوی کلبه ای بر فراز درخت کنار برای یادگاری آویخته ام و لامپی که نور هم در آن فانوس جای داده ام واقعا طراح این فانوس این چراغ نفتی را طوری تعبیه نموده که نه باران وارد آن می شود و نه هم با وزش باد خاموش می شود. آن زمان که کوچه های شهر شلی بود شب های بارانی موجب روشنایی و مخصوصا در ماه های محرم وصفر رمضان کارآمد بود.

حکایت اندر حکایت

حکایت کتابخانه مصلحیان

جلیل رزمی



مقدمه: وقتی خبر تعطیلی کتابخانه مرحوم مصلحیان را شنیدم خیلی یکه خوردم دلتنگی و اندوه خود را با عزیز بزرگواری در میان گذاشتم و گله کردم که چه باید کرد. من بارها به آن جا رفته ام، کتاب گرفته ام، درس خوانده ام و بعضی از مواقع از دیدن جوان ها در آن جا لذت برده ام همه جور آدم را در آن جا دیده ام که اهل مطالعه و کار و هم اندیشی بودند اتاق کوچکی به بچه های اهل قلم اختصاص داشت و من چندین بار در آن جا حاضر شده ام و بحث و گفت و گوی آنان را شنیده ام و در کمال قناعت با چه شور و شوقی مباحث فرهنگی و هنری خود را پی می گرفتند با وجود کمبودها باز هم راضی بودند که فضایی هر چند کوچک دارند که می شود لحظاتی با هم گفت و گو تازه کرد و اندیشه های زلالشان را از آبشخور ادب و فرهنگ ایران لبریز سازند هر چه به حافظه ام بیشتر رجوع می کردم گروه های بیشتری از دانش آموزان و دانشجویان را به یاد می آوردم که به علت کمبود جا در زیر درخت های وسط حیاط مشغول مطالعه بودند.

به دکه روزنامه فروشی مراجعه کردم و دیدم که مطبوعات استان هم نسبت به این موضوع حساسیت نشان داده اند. بر خود فرض دیدم که با خواندن مطالب این هفته نامه های وزین به نوعی دین خود را به این مکان بسیار ارزشمند فرهنگی با نوشتن حکایتی به سبک و سیاق عصر سعدی بگویم که متأسفم تو هفت صد سال پیش به ما آموختی چگونه بنویسیم و سخن بگوییم و اینک پس از هفت صد سال مکان خواندن و نوشتن را بر روی جوانان این سرمایه های بزرگ کشور بسته اند.

***

آورده اند که روزی از روزها رهروی در طی طریق خویش به حجره ی جریده فروشی رسد پس از تفحص بر پیش خوان آن حجره از میان آن همه جریده های منتشره دو جریده نصیر و نسیم را چشم نواز دید. باری با ولعی خاص شروع به خواندن اوراق آن جریده ها نمود، در میان اوراق و مطالب کشکول مأبانه و الوان آن دو دست نوشته را در یک مسیر یافت، یکی از میرزا مهدی خان جهانبخشان با عنوان سفرنامه باقرخودرو قباکلکیانی و دیگری با عنوان اندر حمایت اثر ادیب الممالک فرشید خان جان احمدیان. یکی با طنز و آن دگر را قیوم و مستدل یافت. لختی با خود اندیشه کرد مگر دهکده اباشهر کتابخانه ای هم دارد که نام خیری بزرگ به نام مصلحیان را بر خود یدک بکشد. با لذتی خاص از شعف جان شروع به خواندن جریده کرد. اندر حکایت تعطیلی همان کتابخانه با همان نام. رهرو، متحیر در وادی حیرت و در شگفت از یک کتابخانه در دو جریده این همدلی را یک حسن اتفاق دانست و با خود اندیشه ها کرد که این ها را چه شده است. پس از تأمل فراوان دل به دریا زد و به سوی جاده بعثت که با آن دست اندازها و گرد و غبارها جاده ی ابریشم را به یاد می آورد رهسپار گردید و سراغ از آن عمارت بزرگ را گرفت. با کمال تعجب از شوق وصال و دیدار آن جایگاه عظیم با در بسته ای رو به رو شد که بر تارک آن تابلویی نصب شده بود که بر آن نوشته آمده بود اداره کتابخانه ها، که گویای همان توطئه منو در سفرنامه باقرخودرو قباکلکیانی بود. رهرو درمانده نگاهی به پشت سر خویش انداخت، دوباره رو به ساختمان بسته و تعطیل شده کرد و گفت: بارخدایا تو خود شاهد باش که در این دهکده ی شهرنما، خیری که بیاید وکتابخانه ای بسازد یا واگذار کند نداشته ایم پس چگونه است که زعمای قوم این اندیشه را ترویج نمی دهند بل که در محور آن می کوشند. رهرو لحظاتی در درون خود گریست و کسی را در مقابل خویش ندید تا او را مورد خطاب قرار دهد دوباره رو به آسمان کرد و گفت: بارخدایا چگونه است که بانیان یک امامزاده حرمت امام زاده خود را نگه نمی دارند و عمارت وقفی را غصب می کنند و جمعی جویای معرفت را گرفتار بلای آوارگی کرده اند. باز هم در خود پیچید، این بار با صدایی محزون گفت: بارخدایا خود شاهدی که برای مجذوب کردن جوانان و نوجوانان به فرهنگ کتابخوانی چه قدر وقت و هزینه صرف شده است و چگونه هدر می رود.

بار دیگر صدایش به لرزه افتاد و از ته دل فریاد کشید: «خدایا میسند لوطیان خوار بشوند.» به ناگاه صدایی از پشت سر او را مورد خطاب قرار داد: ای جوان! تو را چه شده است که در این جا مات و مبهوت مانده ای، رهرو روی برگرداند. رفتگر جوانی را در مقابل خود دید که او را به کنار کشیدن دعوت می کند. رهرو گفت: چرا باید کنار بروم و به این درد جانگاه نگریم؟ رفتگر جوان در حالی که صدایش رابلندتر می کرد گفت: اجازه ده اشغال زیر پایت را جارو کنم بعد سر جایت برگرد. هنوز صدای جارو که بر روی آسفالت کشیده می شد به گوش می رسید که صدای اذان در گوش رهرو جوان پیچید... حی علی خیر العمل حی علی خیرالعمل ...

دریغا آن پریشادخت

به بهانه ۲۴ بهمن سال کوچ فروغ فرخزاد

حسن رستمیان hassanrostamian@yahoo.com



دریغا آن پریشادخت شعر آدمیزادان / نهان شد، رفت / از این نفرین شده مسکین خراب آباد / دریغا آن زن مردانه تر از هر چه مردانند / آن آزاده، آن آزاد. / دریغا آن پریشادخت / نهان شد در تجیر ابرهای خاک / و اکنون آسمان ها را ز چشم اختران دور دست شعر / به خاک او نثاری هست، هر شب، پاک (مهدی اخوان ثالث)

در دل شمیران تهران گورستانی وجود دارد به نام ظهیرالدوله. در اعماق آن گورستان اساطیری بر روی سنگی مرمرین نوشته‌اند: "اینجا خانه ابدی فروغ فرخزاد است". روح عصیان‌گر فروغ بعد از چهل سال هنوز از اعماق خاک سرد با کلماتی که روی سنگ مزارش حک شده است با ما به نجوا سخن می‌گوید: من از نهایت تاریکی /از نهایت شب حرف می‌زنم / اگر به خانه من آمدی برای من /ای مهربان چراغ بیاور و یک دریچه / که از آن به ازدحام کوچه‌ی خوشبخت بنگرم .

در اروپای قرون وسطی دانشمندانی نظیر دکارت، نیوتن ، کپرنیک و... هر یک با تحفه ای از شعور و خرد خود آگاهی و شکوفایی انسان را رونق بخشیدند چنانکه دکارت مطرح می کند چون فکر می کند وجود دارد. نیوتن فیزیک افتادن سیب از درخت را کشف می کند و هرگونه ربط متافیزکی آنرا مهر ابطال می زند و سرانجام کپرنیک گریبان تورات را می چسبد و در کار گردش خورشید بدور زمین ـ به حق ـ تردید می افکند و بدین سان «عصر فروغ» را به مثابه حرکتی آگاه ساز در چنان خفقانی رقم می زنند. در ایران نیز به فاصله کمتر از صد سال پیش «عصر فروغ» ایرانی با صادق هدایت ، فروغ فرخزاد ، احمد شاملو و ... بدلیل گمراهی و عدم همراهی توده به ناکامی آغاز می شود و در ادامه دستادست قدمایی چون زکریای رازی ، ابن مقفع، ابن راوندی و ... تنها سنگ نبشته هایی از ایشان باقی می ماند که در نتیجه « ما همچنان دوره می کنیم روز را و شب را/ هنوز را» زیرا پیام آنان که در شعر و نوشته شان خلاصه آمده را « که می شنود و تازه چه تفسیر می کند؟» «عصر فروغ» غربی را از آن دست همپای نوع ایرانی آن مثال می آورم که برای فردای شکوفاییِ جهان ، از ما بعنوان ملتی دیرسال توقع حضور می رود چنانکه رنه گروسه ـ شخصیت فرهنگی قرن حاضر ـ می گوید: «اساسی ترین مسأله جهان امروز ما در آمیختن شرق و غرب برای دستیابی به یک واقعیت جهانی بر مبنای یک تفاهم جهانی است ، و سرمشقی که فرهنگ ایران در همه تاریخ خود ارائه کرده است نمایانگر این واقعیت است که چنین تفاهمی تحقق پذیر است ، زیرا این فرهنگ با نبوغ اندیشه خویش خود به خود مظهر آمیزش موزونی از شرق و غرب و ادغام این هر دو در یک واحد جهانی است.»

***

دید نو و نگاه زنانه فروغ در شعر امروز فارسی، به تازگیِ هویتی است که او به زن داده است. زن یعنی انسان؛ آفریده‌ای که جسم، روح، زبان، احساس، اندیشه و در نتیجه استقلال فردی دارد. این تصویر نقطه مقابل تصویر پیشین زن در فرهنگ است؛ تصویری که به رویا بیشتر مانَنده بود تا به واقعیت، و در حجابی از خیال و عشق و تحقیر قرن‌ها رازگونه زیسته بود. حضور زن در بیشتر آثار ادبی انگیزه عشق، هوس، شهوت، نابکاری، مکر و بی‌وفایی است و حیات حقیقی او، نهان در دوردست انصاف و واقعیت، به بیداد آمیخته است. اما در شعر امروز فارسی چهره واقعی زن نخستین بار در شعر فروغ تصویر شد و، بی‌آنکه خود بخواهد، ادبیات زنانه را پی‌ریخت و با، تک‌گویی درونی و ذهنیت و زبان زنانه، جهان فردی خود را در شعر معنا بخشید.

ولی باید در نظر داشت که مهم‌ترین ویژگی اشعار او زنانه بودن آن است؛ زنی شاعر که برای نخستین بار تجربه‌های اندوهبار یک زن، درد دل‌ها، اعتراض‌ها و گلایه‌هایش را به زبان شعر سرود، هویت واقعی و انسانی یک زن را نشان داد، چهره کلیشه‌ای زن‌ـ معشوق را از شعر امروز پاک کرد و به شخصیت طبیعی و معمولی زن جان بخشید

***

فروغ فرخزاد از سرآمدان نسلی از روشنفکران و ادبای این مملکت است که در هجوم زمهریر و طوفانِ استبداد و سنت ، عصیانی تمام را تدارک می بینند. پس از صادقِ هدایت که با کولاک ادبی خود جنگی تمام عیار را با سنت های منحط اجتماعی و اعتقادی برانگیخت. فروغ «کسی است که مثل هیچ کس نیست». فروغ در جامعه ای زندگی می کند که بابت هر کلامی در راه پوست انداختنِ اجتماعِ زنگارگرفته باید به عقوبت آن به خون خود دست بشوید مضافاً بر اینکه برای او بعنوان یک زن در چنین فرهنگی نقش و حضور اجتماعی پیش بینی نشده است.

***

شعر فروغ هنوز هم به نیازهای خفته ی ما پاسخ می دهد و رویاها و آرزوهای پنهان و آشکارمان را سیراب می کند . شعر فروغ زبان گویای نه فقط زنان جامعه ی ما که زبان مردان هم هست چرا که به چنان حدی از غنای انسانی دست یافته است که دیگر از جنسیت فراتر رفته است ، هر چند به باور برخی نظریه پردازان ، فروغ به تنهایی زبان گویای زن صامت ایرانی در طول قرن هاست و او را انفجار عقده ی دردناک و به تنگ آمده ی سکوت زن ایرانی می دانند اما این تنها زن ایرانی نیست که بغض دردناک و سکوت طولانی اش در طنین صدای فروغ می شکند و با او زبان به سخن می گشاید بل که این انسان درد کشیده ی ایرانی ست که با نغمه های محزون و جان دار او که از نهایت تاریکی و از نهایت شب حرف می زند، زبان به سخن می گشاید و راز دردناک و اندوه بار خود را با زبان ساده و بی پیرایه و صمیمی این پریشادخت شعر معاصر آشکار می کند. بله این درست ست که فروغ در سه کتاب اول خود (اسیر ، دیوار و عصیان) تا به تولدی دیگر برسد صبغه ی مردستیزانه و نوعی فمنیسم دارد و رایحه ی جنسیت گرایی از آن به مشام می رسد اما در سال های پختگی اش کاملا از این حد فراتر می رود و به نگاهی کاملا انسانی دست می یابد و اگر طنین صدایی زنانه از آن بر می خیزد به خاطر فردیت و تشخص اوست که از امتیازات شعر او محسوب می شود و طبیعی ست که هر هنرمند اصیلی باید به تفردی ویژه ی خود دست یابد تا از دیگر هنرمندان قابل شناسایی باشد و اگر چنین نبود طنین صدای اش با معدود شاعران زنی که صدایی مردانه از آن ها به گوش می رسد فرقی نداشت و درستی این سخن که او شاعری ورای جنسیت ست در همین استقبال و ستایش مردان این سرزمین در کنار زنان از شعر او آشکار ست و نشانی ست روشن از پیروزی شگفت فروغ در سرزمین شعر خیز ایران ، آن هم جایی که شاعران بزرگ همه مرد اند و هزار سال ادبیات مرد سالارانه پشت سر او ست . این مهم جز از کسی که دارای نبوغ و نیرویی شگفت و جسارتی بی نظیر ست بر نمی آید.

شعر فروغ جان شعر معاصر فارسی ست چرا که با زبانی ساده و صمیمی و با صراحت و جسارت از زندگی و از انسان سخن می گوید. فروغ را به درستی زن بی پروای شعر امروز نامیده اند، جسارت او اما تنها در این نیست که گاه چنان سنت شکنی می کند که چشم همه را خیره می کند و گاه بی پروا پا بر سر سنت های کهن و تابوهای مقدسی می گذارد که تا پیش از او کسی حتا از مردان جرئت نزدیک شدن به آن را نداشته اند ، جسارت و بی پروایی او تنها در این نیست که او با تمام محدودیت های جان کاه محیط مردسالار و در یک جامعه ی سنتی برای اولین بار از نیازهای زنانه سخن می گوید و لحن و زبانی زنانه که تا آن زمان از ادبیات ما غایب بوده است به پیشگاه ادب فارسی عرضه می کند و برای اولین بار به عنوان یک زن بی پروا از تجربه ی گناهی پر زلذت در آغوشی گرم و آتشین سخن می گوید، تا امروز این گونه شعر الگوی برخی دختران و شاعران زن ما قرار گیرد و در این کار افراط کنند و اشعاری بی مایه و مبتذل بسرایند به این خیال که بی پروایی را به اوج خود برسانند و آنان را بی پروا تر از فروغ بنامند ، بل که بی پروایی و جسارتی به مراتب بالاتر و شگفت تر از این ها در اشعار فروغ موج می زند و آن صمیمانه و ساده سخن گفتن از انسان و زندگی ست .

فروغ به مانند بسیاری از شاعران هم عصر اش روشن فکر نمایی نمی کند بلکه راه خود را می رود و زندگی خود را می کند و صمیمانه خود را بیان می کند و البته در این بیان ، روشن فکری آگاه و بینا را به نمایش می گذارد که« من» خود فروغ ست و با او هیچ فاصله ای ندارد چون شعر فروغ عین زندگی اوست. او خود روزگاری برای تفنن و سرگرمی و شاید دغدغه های کوچکی که داشته شعر می گفته و به طور غریزی هم می گفته چنان که خود به این مسئله اذعان دارد اما در دوران پس از "تولدی دیگر" شعر می شود جان او و همه ی وجود اش چنان که هر بار شعر می گوید گویی چیزی از او کنده می شود و کم می شود. جسارت فروغ در این ست که به سادگی از انسان سخن می گوید ، بله انسانی که فروغ در اشعار اش به ویژه از تولدی دیگر به بعد ترسیم می کند دیگر آن انسان کلی و اسطوره ای و ماورایی شعر کلاسیک و حتی انسان ایدئولوژیک و ابر انسان شاعران مرد معاصر نیست . انسان فروغ نه آن انسان کلی و سمبولیک نیما و اخوان ست، نه انسان رمانتیک توللی و مشیری و نادرپور ، نه انسان اسطوره ای سپهری و نه آن شیرآهنکوه مرد شاملو که میدان خونین سرنوشت به پاشنه ی آشیل در می نوردد. انسان فروغ ، انسانی عادی و ساده است که در میان کوچه و بازار می گردد و با تمام عیب و نقص ها و خوبی و بدی و سستی و کمال و زشتی و زیبایی اش انسان ست. او گاه زنی ست که هر روز با زنبیلی از کوچه ای می گذرد، گاه طفلی که از مدرسه بر می گردد و گاه مردی که با ریسمانی خود را از شاخه می آویزد واگر از باغچه بد می گوید و به آن فحش می دهد یا به آن عشق می ورزد یا از کنار آن بی تفاوت می گذرد با این همه انسان است و دائم در تحول و تغییر.

نگاه فروغ اما نگاهی نوستالژیک و اندوه بارست . به تعبیر دکتر براهنی فروغ در غربت جهان می زیست و در آرزوی وصل و اتحاد با کل جهان بود. این نکته در شعر بلند "ایمان بیاوریم" آشکار تر پیداست. در بسیاری از اشعار خوب فروغ نگاهی پوچ گرا و اگزیستانسیالیستی و سیاه به چشم می خورد و این نگاهی ست که بر بسیاری از روشن فکران پیشرو دهه ی چهل حاکم بوده است و اغلب تاثیری ست که از شکست نهضت ملی و پیروزی کودتای ۲۸ مرداد و هم چنین ادبیاتی متاثر از کسانی همچون سارتر، کامو، کافکا، بکت و اوژن یونسکو پدید آمده بود . در دهه ی ۲۰ هنوز شعر ایران زیر تاثیر رمانتیک های اروپا بود و صبغه ای رمانتیک سیاه در آثار کسانی مانند توللی و نادر پور و دیگران دیده می شد و فروغ در سه کتاب اول خود بیش تر تحت تاثیر همین ها بود اما از دهه ی ۲۰ به بعد شعر فارسی به تدریج از زیر تاثیر شعر اروپا خود را بیرون کشید و به سمت شعر ایرانی سیر کرد تا در دهه ی ۴۰ به اوج خود رسید و این درست همان زمانی ست که فروغ هم به تولدی دیگر رسید . شعر فروغ شعری کاملا ایرانی ست . او با بهره جستن بسیار از شعر و ادبیات غرب و آثار کسانی مانند ژاک پره ور و الیوت و پل الوار به شعر ایرانی می رسد و گاه در کلام او طنین صدای مولوی و حافظ و خیام را می شنویم .

***

نکته ی دیگری که به شعر فروغ زیبایی و دل نشینی خاصی می



بخشد مسئله ی وزن ست. فروغ به این مسئله خیلی حساس ست و توجه ویژه ای به آن دارد . او به شعر بی وزن اعتقادی ندارد . برای او وزن در شعر یک عنصر حیاتی ست و از ارکان مهم شعر محسوب می شود . به بیان دیگر شعریت شعر در وزن و موسیقی آن ست . خودش در این زمینه می گوید : « من جمله را به ساده ترین شکلی که در مغزم ساخته می شود به روی کاغذ می آورم و وزن مثل نخی ست که از میان این کلمات رد شده بی آن که دیده شود ، فقط آن ها را حفظ می کند و نمی گذارد بیفتند . اگر کلمه ی « انفجار» در وزن نمی گنجد و برای مثال ایجاد سکته می کند ، بسیار خوب این سکته مثل گرهی ست در این نخ . با گره های دیگر می شود اصل گره را هم وارد وزن شعر کرد و از مجموع گره ها یک جور هم شکلی و هماهنگی به وجود آورد. مگر نیما این کار را نکرده ؟ به نظر من حالا دیگر دوره ی قربانی کردن مفاهیم به خاطر احترام گذاشتن به وزن گذشته است. وزن باید باشد. من به این قضیه معتقدم . در شعر فارسی وزن هایی هست که شدت و ضربه های کم تری دارند و به آهنگ گفت و گو نزدیک تر اند ، همان ها را می شود گرفت و گسترش داد. وزن باید از نو ساخته شود و چیزی که وزن را می سازد و باید اداره کننده ی وزن باشد بر عکس گذشته زبان ست.... من کنار گذاشتن وزن را صحیح نمی دانم. من تجربه ی بی وزن را به عنوان شعر قبول نمی کنم ، به عنوان فکرهای شاعرانه چرا. وزن باید مثل نخی باشد که کلمه ها را به هم مربوط کند . نه این که خودش را به کلمات تحمیل کند. وزن های کلمات باید خودشان را به وزن تحمیل کنند.» (حرف هایی با فروغ فرخ زاد ، ص ۳۳ و ص ۷۱)

به این ترتیب او در شعر فارسی به پیروی از استاد نیما ، دست به کار بزرگی می زند و وزن را گسترش می دهد. او می داند که شعر امروز فضایی دیگر دارد و زبان و وزن دیگری می طلبد . دیگر نمی توان وزن هایی را که اغلب در شعر کلاسیک استفاده می شد به کار گرفت . او دست به ترکیب وزن ها می زند و شعر موزون به تعبیر کلاسیک اش را تغییر می دهد و به آن معنایی دیگر می بخشد. در شعر های خوب و پیش رفته ی فروغ دیگر وزن های ضربی و تند دیده نمی شود ، اصلا در نگاه اول وزن چندان حس نمی شود و انسان می پندارد وزنی وجود ندارد. انگار همان نخی که فروغ از آن حرف می زند در این شعرها دوانده شده است و نخی نامرئی کلمه ها را مثل دانه های تسبیح به هم می پیوندد . یکی از دلایل موفقیت و جذابیت و زیبایی شعرهایی مثل « تولدی دیگر» ، « ایمان بیاوریم به ... » ، « فتح باغ » ، « وهم سبز» و « عروسک کوکی » وزن آن هاست که به شکل یک هارمونی مرکب از نغمه ها و آواهای خوش آهنگ مختلف در این شعرها جریان دارد .

توضیح : منابع در دفتر هفته نامه موجود است

بوشهر قدیم

به کوشش زرتشت دوانی

مطالعه راه بوشهر به شیراز



یکشنبه ۱۱ فروردین ۱۳۰۸خ : مسیو رابرت اپوارد مهندس بلژیکی از طرف فواید عامع برای مطالعه بین بوشهر وشیراز چند روز است وارد بوشهر شده وقرار است روز شنبه از طریق فراشبند وفیروآباد عازم شیراز شده که مطالعاتی در راه مزبور برای تسطیح و اتومبیل رانی بنمایند. امروز ملخ زیادی معروف به ملخ دریایی به بوشهر امده واهالی مشغول گرفتن وخوردن انها هستند.

ورود اولین طیاره پستی خط هوایی جنوب

پنج شنبه ۱۵ فروردین ۱۳۰۸خ : اولین طیاره پستی خط هوایی جنوب از بغداد به بوشهر وارد بنادر جنوبی ایران و به طرف هندوستان طیران نموده است وخط هوایی مذکور از اوایل ماه آوریل افتتاح گردیده است.

کشته شدن شصت نفر دختر جوان با بچه هایشان

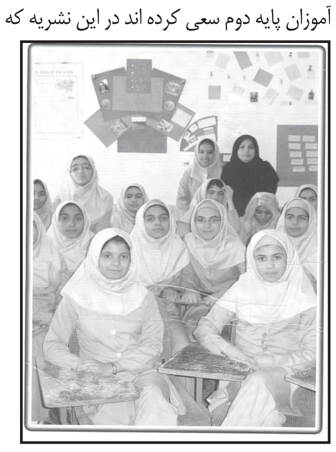
پنج شنبه ۲۲ فروردین ۱۳۰۸خ : از بندر لنگه اطلاع میدهند که در مدت سه چهار ماه قریب شصت نفر دختر جوان با اطفالشان در موقع وضع حمل هم اغوش مرگ شده عشرت ولذت زندگی را به گور بردند . این واقع فقط به واسطه نبودن قابله در این حدود میباشد. در اثر عدم تخصص و بی اطلاعی زنها و عدم دقت وبالاخره نبودن وسایل کامل صحی دوشیزگان وطن دوچار مصائب و مشقات سخت شده و از میوه زندگی ثمر بر نمی دارند.

کشف تریاک در بوشهر

یک شنبه ۷ تیرماه۱۳۰۸خ : دوفقره تریاک در دوفرسخی بوشهر {از برج مقام}بشرح ذیل کشف گردیده است :۱- در ضمن دله های حلبی روغن خرما و عسل یک دله تمام ودر وسط دله خرما دوقوطی تریاک به وزن ۳۰۶۵ مثقال تریاک کشف میشود موقعیکه مفتش برای تفتیش جعبه ها را سوراخ نموده و سیخ میزنند سیخ در وسط جعبه گیر کرده و به صندوق دیگری هم برمیخورد. که در میان جعبه دوم تریاک مزبور کشف میشود صاحب تریاک که مکاری بوده با اجناس فوق مطابق مقررات به عدلیه ارجاع شده است ۲-مقدار ۲۹۶ مثقال تریاک قلم در هفت بسته و یکجلد قران در جوف پالان الاغ در محل فوقالذکر کشف وتوقیف نموده اند.

سیب سرخ

عده ای از دانش آموزان مدرسه راهنمایی فرزانگان در ادامه ی فعالیت های فوق برنامه خود دست به انتشار نشریه ای به نام سیب سرخ زده اند. این دانش آموزان پایه دوم سعی کرده اند در این نشریه که از کیفیت خوبی برخوردار است به مسایل مختلف فرهنگی و اسلامی متناسب با سن و درس خود بپردازند. آیدا آرامی، تکتم آذرتاش، غزال ابراهیمی، فاطمه بردستانی، صدف – بهناز و سحر جمالی، پردیس جعفری، زهرا برقک، فاطمه غریبی، گلبرگ مهدیزاده، نادیا گودرزی، سحر وزیری، فاطمه میمنی، مینو نبوی، سوگند صادقی، آناهیتا نیکنام و فاطمه وفایی هیجده دانش آموزی هستند که سعی کرده اند مجله ی سیب سرخ را به شکل زیبا و مفیدی در مدرسه خود منتشر نمایند. خانم مصدق زاده نیز کار این دانش آموزان را زیر نظر داشته و راهنمایی های لازم را به آنها نموده است. امیدواریم که این کار دانش آموزان ادامه داشته و در آینده شاهد کارهای بهتری از آن ها باشیم.



همچنین نشریه همدل، جوانه و ترنم باران از جمله مجلات منتشر شده توسط دانش آموزان این مدرسه می باشد.

نسیم جنوب
مقاله
شماره ۴۸۸ یکشنبه ۲۸ بهمن ماه ۱۳۸۶
NASIM JANOUB

برگزاری نمایشگاه نفت، گاز و پتروشیمی در فارس به جای بوشهر



دومین نمایشگاه تخصصی تجهیزات صنعت نفت ،گاز و پتروشیمی با حضور نجابت معاون وزیر نفت و مدیر عامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی کشور در مرکز نمایشگاههای بین المللی شیراز افتتاح شد. در مراسم افتتاح این نمایشگاه نجابت معاون وزیر نفت که اهل استان فارس می باشد اعلام کرد که در استان فارس یک انقلاب در زمینه نفت ،گاز و پتروشیمی آغاز شده است و از سرمایه گذاری ۶ میلیارد دلاری در زمینه پتروشیمی در فارس خبر داد. استاندار فارس هم از سخنان رئیس جمهور در فارس مبنی بر اینکه اگر خوزستان قطب نفت است فارس قطب گاز ایران است اظهار دلگرمی نمود.
اینها اتفاقاتی بود که در اواخر دی ماه در استان فارس افتاد و نشان از تلاش مسئولین ارشد استان فارس برای سهیم شدن در صنعت نفت، گاز و پتروشیمی دارد، تلاشی که در حال نتیجه دادن است و برگزاری نمایشگاه نفت گاز و پتروشیمی یکی از این اهداف است. اما استان بوشهر با توجه به منابع عظیم نفت ،گاز و پتروشیمی از جنوبی ترین تا شمالی ترین نقطه استان، یکی از قطبهای نفت ،گاز و پتروشیمی در کشور است و شعار مسئولین استانی هم این است که استان بوشهر پایتخت انرژی ایران است اما به نظر می رسد اینگونه نیست و استان فارس در حال تبدیل شدن به پایتخت انرژی ایران است. امروزه یکی از ابزارهای مهم جذب سرمایه گذار و نشان دادن پتانسیل ها، برگزاری نمایشگاههای تخصصی است چیزی که سالها بود استان بوشهر به دلیل عدم تکمیل مرکز نمایشگاههای بین المللی استان فاقد آن بود اما با تلاش مدیریت جدید شرکت نمایشگاههای استان و حرکت ارزنده شورای شهر و شهرداری بوشهر، مرکز موقت نمایشگاههای بین المللی استان ظرف چند ماه راه اندازی شد و شاهد برگزاری چند نمایشگاه بوده ایم.
از دوسال پیش با همکاری شرکت نمایشگاههای بین المللی استان و با استفاده از اساتید برجسته بومی حوزه نفت، گاز و پتروشیمی طرح برگزاری اولین نمایشگاه تخصصی نفت گاز و پتروشیمی بوشهر نوشته شد و مورد استقبال جناب استاندار قرار گرفت و به اداره بازرگانی ارسال شد که به دلیل عدم مکان برگزاری نمایشگاهها برگزاری این نمایشگاه به تعویق افتاد. اما از ابتدای سال با توجه به راه اندازی مرکز نمایشگاهها باز هم طرح پیگیری شد و مکاتبات جهت اخذ مجوز با وزارت نفت صورت گرفت و جناب استاندار نامه ای به وزیر نفت نوشتند و خواستار همکاری آن وزارتخانه در برگزاری این نمایشگاه در مرکز استان شدند و نماینده مردم بوشهر گناوه و دیلم هم رایزنی های با معاون پارلمانی وزارت نفت برقرار نمود و نمایشگاه تخصصی نفت ،گاز و پتروشیمی بوشهر در تقویم شرکت نمایشگاههای بین المللی استان قرار گرفت و مورد موافقت مرکز توسعه تجارت ایران هم قرار گرفت، تاریخ ۱۰تا ۱۳ اسفند هم زمان پیشنهادی برگزاری نمایشگاه در مرکز استان تعیین شد و شرکت نمایشگاهای بین المللی استان کار بازاریابی را هم شروع کرد و حتا فرمهای ثبت نام به نام اولین نمایشگاه نفت گاز پتروشیمی و صنایع وابسته با شعار بوشهر پایتخت انرژی ایران آماده شد.
اما با شروع کار خبر رسید که یک شرکت تهرانی به دنبال برگزاری نمایشگاه نفت و گاز و پتروشیمی در منطقه عسلویه است. این در حالی است در اسفند سال گذشته یک نمایشگاه نفت و گاز در عسلویه برگزار شد و به شدت شکست خورد چون در عسلویه امکانات رفاهی و نمایشگاهی وجود ندارد و تاکید مسئولین شرکت نمایشگاههای استان برای برگزاری این نمایشگاه در مرکز استان این است که تاسیسات نفت و گاز و پتروشیمی در استان از منطقه بهرگان و خارگ تا جم و عسلویه در استان گسترده شده و بهترین مکان برگزای این نمایشگاه در سایت مرکز نمایشگاههای بین المللی استان است. مشخص نیست در حالی که مقدمات کار فراهم شده چرا یک شرکت تهرانی به دنبال موازی کاری افتاده است و آیا تجربه ناموفق سال گذشته دوباره تکرار نخواهد شد؟ در حالی که فارسی ها نمایشگاه نفت و گاز و پتروشیمی را در شیراز برگزار می کنند واقعا چرا در بوشهر در مرکز استان برگزار نشود؟ آیا شعار بوشهر پایتخت انرژی ایران برانزنده نام این استان نیست؟ امیدواریم که جناب استاندار و نمایندگان مجلس که از ابتدای کار از حامیان جدی برگزاری این نمایشگاه بودند برای باشکوه برگزار شدن این نمایشگاه مانع موازی کاری های موجود شوند تا این نمایشگاه با توانمندی نیروهای بومی متخصص استان به شکل باشکوهی برگزار شود. (یکی از برگزار کنندگان اولین نمایشگاه نفت گاز پتروشیمی و صنایع وابسته در بوشهر)

بومی کشی...!!؟؟

محمد محبوبی



در هفته نامه ی نسیم جنوب به شماره ۴۷۹ مورخه ۸۶/۱۰/۲۵ عنوانی توجه ام را به خود جلب کرد، آن هم با عبارت: "نمی خواهم قهرمان شوم!" منتسب به آقای افراشته استاندار محترم بوشهر، درخصوص وقایع برخورد نماینده ی بوشهر در مجلس شورای اسلامی با مدیریت ارشد استان و در راس آن معاونت سیاسی امنیتی ایشان که در تاریخ مدیریت استانداری بوشهر ، سناریویی بسیار بی سابقه، بی نظیر ، درون گروهی، بومی کش و تعجب برانگیز بود، برآن شدم تا نظری افکنده و پاسخی به مشارالیه داده باشم.
در تاریخ کشور ما ، نخبه کشی، بذر پر باری داشته و پدیده ای است که در هر عصر و زمانی، مطابق با فرهنگ سیاسی اجتماعی آن زمان، خود را به رخ کشیده است. زیرا انسان های در این رده، قدرت طلب، حریص، حسود و منفعت خواهند و روزگار را فقط، حول و حوش مزاج خویش بیش نمی پذیرند و پیوسته خشم آن ها بر عقلانیتشان غالب است. در این وادی، پدیده های اپیدمی و موروثی، مشابه و به تعبیر نگارنده با عنوان بومی کشی در بوشهر نیز ریشه در فرهنگ، بینش وتفکر سیاسی مدیران حاکم بر این خطه داشته و دارد. متاسفانه این مقوله پیوسته با ضربه های مهلک ، جبران ناپذیر و قهقرایی خود به مثابه سنگین ترین زلزله های قهر طبیعت، استان را زیر و رو کرده و به توقف کشانده است و تاکنون راه و چاره ای نیز بر آن نیافتیم.
سرانجام، استراتژی جذب و حمایت از نیروهای لایق بومی به جای حذف آن ها به دست چه کسانی ترسیم خواهد شد؟ ماندگاری حرمت و نصب آن ها چه زمانی رقم خواهد خورد؟ این مهم پروژه ای است که باید اندیشمندان و سیاسیون استان به پشتوانه ی توده ی مردم به آن پرداخته و راه حل منطقی آن را بیابند. البته دوام و قوام پدیده ی بومی کشی با بی تفاوتی عموم مردم بوشهر به ثبت رسیده است ، زیرا از فرزندان شایسته، توانمند و صاحب صلاحیت خود در تمام اعصار و بحران های درون استانی به مثابه ی مردم یزد، حمایت همه جانبه نکرده اند تا این موضوع، فرهنگی قابل پذیرش و موازی با فرهنگ عمومی مردم این خطه تشکیل ساختار دهد.
از زمان تصدی امور مدیریت استانداری بوشهر به وسیله آقای تبادار، با امیدواری تمام او راه های سعادت استان داشتیم. و با وقوع نظمی هر چند ناپایدار، مسلخ بومی کشی در حالتی میرایی با امید به گذر از این پدیده می رفتیم تا شاید به یک باور تاریخی برسیم که فرهنگ بومی گرایی در استان در حال نضج گرفتن است، اما بومی کش ها در همین آرامش و امنیت و امید به آینده ای روشن در حذف نیروهای توانمند بومی به گونه ای عمل کردند تا مجددا صدای دلخراش بومی کشی به دست سفیرانی بومی، گوش هایمان را آزرده، دل هامان را بشکنند و بومی های دیگری را که شواهد و قراین گواه بر نزهت و توانمندی و صلاحیت آن ها می داد با اشتلم در مسلخ بومی کش پذیرا شوند. در آن غایله و بعد از تسویه حسابهاب پرهیاهو در حوادث خلق شده با دستان مبارک، وقتی اندیشمندان ، نویسندگان ، اساتید دانشگاه و قلم به دستان سیاسی- اجتماعی بر نقد عملکرد استاندار محترم در برخورد با جریان مورد نظر قلم زنی کرده و توصیه ها داشتند، ایشان به همه یک پاسخ را هدیه فرمودند و آن این که: (نمی خواهم قهرمان شوم!) در پاسخ به این عبارت باید متذکر شد که اولا عبارت مزبور دارای ایهام و ابهام است. در ثانی گوینده به کنه مطالب غور نفرموده اند تا تبیین و تفسیر توصیه های به خود را ورای این عبارت جستجو کرده و متوجه خطرات آینده استان گردند. به اجمال در پاسخ، همین بس که انسان از بدو خلقت و در تلاطم حرکت تثبیتی به سمت بقا و تکامل، پیوسته سعی و تلاش خویش را معطوف به قهرمانی در زندگی فردی یا جوامع بشری به نحوی ازانحا نموده است. موفقیت در قهرمانی او هم انکار ناپذیر نشان داده شده است. از موج اول تا موج سوم یعنی عصر تکنولوژی امروزی، همه نشان و نمادی از قهرمان خواهی بشر در خلقت است و همیشه به قهرمان خودی در هر زمینه و تخصصی افتخار کرده و بر خود بالیده است. بنابراین شما نیز مستثنی از این قاعده خواستگاهی نخواهید بود و قهرمانی اصلی ترین تمایل و آروزی شماست، زیرا این امید در هر انسانی زنده بوده و تنها نیاز به بارور شدن دارد. جناب افراشته ، اگر عقلای استان در آن موضوع از استعفای شما سخنی و توصیه ای داشتند، منظور نظر گریز از تکلیف شما نبوده که عین تکلیف را ترسیم کردند. از طرفی آن ها نیز از مرزی بودن استان و وجود نیروگاه اتمی، مرکز اقتصادی بودن و اتفاقات بزرگ سفر دوم ریاست جمهوری به استان غافل نبودند، وانگهی اشکالات استان را به خوبی می شناختند و می دانستند که استان های دیگر، در حال اجرای پروژه متروی شهری خود هستند در حالی که کوچه و پس کوچه های مرکز استان ما هنوز محو از آسفالت و زیبا سازی و دفع معظلات بهداشتی است، حال وای به حال دیگر شهرستان های استان. به غایت ، همه



گفته ها و توصیه ها حداقل دو مطلب نوید آینده نگری به نفع استان را برای شما و مردم استان به نحوی در خود مبرهن داشت. لیکن حضرت عالی بدون استفاده و توجه عمیق از کنار همه آن ها گذشتید.
مطلب اول: تحکیم بر نگهداری حرمت فرزندان خالص و مخلص، مومن، سیاسی و خدمتگزار بومی استان مراد نظر بود و نه شخص خاص و یا جناح سیاسی ویژه. شاید در آن حادثه ، نام و نشانی مسبب نشان می داد ولی حقیقت امر چنین نبود. توصیه کنندگان به اصل، ریشه و رکن موضوع پرداخته تفکر سیاسی خاصی را مد نظر نداشتند بلکه ملاک سنجش آن ها حال و آینده ی استان و مصالح مردم بود تا بوشهر به آرزوی دیرینه ی دست نایافتنی خود مبنی بر حذف پدیده بومی کشی از جامعه مدیریت استان دست یابد. از طرفی، این فرهنگ با دست شما و د رحوزه ی مدیریت جناب عالی تجدید قدرت نکند، اما شما به گونه ای عمل کردید تا این موضوع پسوند و پیشوند اسم شما گردیده در کارنامه ی مدیریت تاریخی حضرت عالی چنین حرکتی به ضعف ثبت گردد. مضافا بر این که ثابت گردد که ما بوشهری ها مهاجر پذیر و غریب نوازیم و بومی کش! دولتمردان نیز رگ خواب ما را به خوبی در دست دارند و از به جان هم افتادن ما همیشه در گزینش نیروهای مورد نظرشان بهره های لازم را برده اند که باید برای این مهم در استان تدبیری نو دراندیشیم.
مطلب دوم:
شاید شما امروز با تثبیت قدرت خود و شکست نماینده ی مردم بوشهر در مجلس، خود را قهرمان ماجرا بدانید، ولی عنایت داشته باشید که مدال قهرمانی را در اولین دوره ی مبارزه از گردن شما ربودند تا این ماجرا برنده نداشته و تنها بازنده ی آن استان و مردم کم توقع آن باشند. چون شما را در برابر مثل افلاطونی قرار داده اند، لذا باید با هوشیاری و درایت تمام و کمال به قضایا نگریست و مقصدهای حول و حوش خود را به دقت شناخت، زیرا کوچک کردن استان و تغییر موقعیت جغرافیایی آن در دستورکار است، و چون استان همسایه سالیان سال در به اسارت گرفتن مدیریت آب و برق و بانک ها و حتی مدیریت کلان استان بوشهر ید طولایی داشته و دارد، گویا به استان به دیده یک مستعمره می نگرد. پس باید مواظب بود و غفلت نورزید!!! بدانید که نماینده ی بوشهر در برپایی چنین حادثه ای، ماموری معذور، غافل و بسیارعجولانه قضایای ماموریت را دنبال می کرد، زیرا اگر مشارالیه بر زندگی دانش آموزی و سپس بر زندگی معلمی خود مروری می داشت، دریچه ی موهبت الهی را بر روی زندگی خویش نمی بست. نامبرده سرمست و مدهوش در قدرت، نمی دانست که خود او نیز تاریخ مصرفی دارد و بعد از انقضای این تاریخ و تکمیل ماموریت در غوغاسالاری و بهم ریختن تفکر مدیریتی مدیر ارشد استان، خود نیز قربانی اصلی این ماجراست. این ماموریت بدین مضمون بر شما تحمیل گردید.
ترس و استرس مزمنی بر شما مستولی گردیده. روز موعود یعنی جدا کردن عسلویه از بوشهر و الحاق آن به استان فارس، آن گاه که خود را بر سر میز مذاکره به نمایندگی از مردم استان بوشهر با فارسی ها ببینید، تکلیف خود را به گونه ای انجام دهید که خواستگاه مردم بوشهر نباشد، پس توجه بدین مهم الزامی است که آن ماجرا ریشه دار و هدفمند بوده است و هرگز تصور به پایان یافتن آن نداشته باشید، چرا که رهاورد سناریو در راه است. آیا در آن حالت و بعد از توشیح قرارداد تاریخی سنگین بر مردم بوشهر ، باز هم با همین عبارت، که نمی خواهم قهرمان شوم پاسخگوی مردم بوشهر خواهید بود یا به نفع حقوق آنان...!!!!؟؟
به هر روی شما بر عکس نماینده ی بوشهر، در اجرای ماموریت خود، مردم گرا و توده نگر باشید، زیرا رضایت مردم ارزشمند تر از رضایت هر دولتمردی است، که اولی با ثبات و همیشگی است و دومی موقت و بی دوام در تایید این مدعا، تاریخ ایران را بنگریم، که چرا مصدق قهرمان ملی همیشه ی تاریخ ایران لقب گرفت؟
به چه دلیل امیر کبیر در تاریخ ایران ساخته شد؟ پاسخ ها واضحند، زیرا موقعیت ها و پست ها و منصب های شیرین زمان خویش را فدای مردم سرزمینش نمود تا قهرمان ابدی را درکنار نام های خود به زیبایی داشته باشند پس در آرامش فعلی حاکم بر استان، ضمن تاکید بر اجرای کلیه ی برنامه ها، لزوما جلوگیری از کوچک کردن استان را با استراتژی قوی و مطالعاتی، با طرح و نقشه و ادله ی کافی، با استفاده از نظر اندیشمندان استانی در سر لوحه ی اهداف و برنامه های خود لحاظ فرمایید. با علم به این که به همان اندازه که منازعات و ناامنی در حوزه اقتصاد، از سرمایه گذاری به منظور تولید توسعه، عامل بازدارنده ای است، بذر افشانی در تلاطم و ناامنی را بر نمی تابند؛ نتیجه این که جامعه ای که از ثبات سیاسی مناسبی بر خوردار نباشد، از بهره گیری از این نوع نیروها که در استان فراوانند محروم می ماند. بنابراین، رایزنی و گمانه زنی های جداسازی را از دستورکار خویش حذف نفرمایید. شایعات در این خصوص را جدی گرفته برای هر کدام پیگیری های خاص خودش را مبذول بدارید که این ها شایعه نیستند و عین حقیقتند لذا برای حصول توفیق در این زمینه باید ضریب عدد مدیریتی های تصمیم گیر و تصمیم ساز بومی را در پارس جنوبی افزایش داده جهت افزایش سهم ریالی استان در پارس، فکر و برنامه ها و پیگیری های مبسوطی داشته باشند تا در حفاظت از منطقه، پشتوانه های اطلاعاتی و حمایتی را از آن خود فرمایید.
به غایت کلام، چند پیشنهاد را تقدیم می دارم امید است مقبول درگاه حضرت عالی قرار گیرد.
۱. سکوی پرتاب فرزندان لایق و متخصص استان باشید.
۲. در شناخت و گزینش مقوله فوق الذکر، ایدئولوژیک و سیاسی بر خورد نفرمایید.
۳. خروج پادگان های نظامی که از مصوبات ارزشمند دولت نهم می باشد. با پیگیری جدی و مداوم عملی نمایید.
۴.لایروبی آبراه ورودی به بوشهر را جهت رونق گمرک در دستور کار قرار دهید.
۵. آموزش و پرورش و آموزش عالی استان را متناسب با نیازهای فنی تخصصی پارس جنوبی تقویت و حمایت کنند.
۶.زمینه های امنیتی سرمایه گذاری داخلی و خارجی درون استانی را عملا فراهم سازید.
۷.به جهت نیازهای عدیده بوشهر ، پیشنهاد هزینه کردن اعتبارات خود تولید استان در هر دو سال یکبار به هیات دولت در استان تا رفع معضلات.
۸.پروژه ورزش استان بسیار حیاتی، سازنده و رکن امنیت جامعه استانی است، توجه ویژه به ارتقا بسیار ضروری است.
۹.اتاق فکر را از طریق نشست مداوم، با سیاسیون و اندیشمندان و جامعه مطبوعاتی به نفع توسعه استانی تقویت و پربار سازید.
۱۰. فراهم نمودن تمهیدات لازم استانی به منظور جلوگیری از خروج نخبگان از بوشهر می تواند یکی از مولفه های توسعه باشد.

ضرورت مدیریت انتخابات توسط مردم

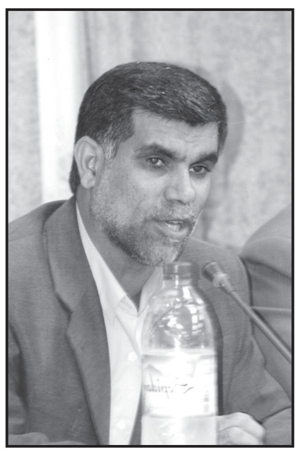
حسین رضاییان- وکیل دادگستری

مردم شریف استان ما که خصایص فراوان مثبت آن ها جمله: صداقت ، فروتنی ، از خود گذشتگی ، مهمان نوازی و کم توقعی شان به شهادت تمام مردم کشورمان زبانزد خاص و عام بوده و هست و این خصایص آن ها را از سایر اقوام متمایز ساخته است به نظر می رسد هنوز آن چنان که باید خود را باور نکرده اند و از قدرت و توانایی بالای خود واقف نیستند و یا لااقل کمتر آشنا هستند. حداکثر آن چیزی که از تحرک و تلاش فکری و اجتماعی خود شاهد هستیم گلایه های سطحی و انتظارات کوچک و گذرا است که هر از چند گاهی پس از برخورد با هم آن را عنوان می کنیم بدون آن که آن را به صورت ریشه ای و بنیادین مطرح و در جایگاه خود پی گیری و مطالبه و با انسجام و یکپارچگی به دنبال تحقق آن باشیم، زیاد شنیده و دیده ایم که در برخورد با هم، پس از طرح گرفتاری های اقتصادی یا سیاسی و اجتماعی عنوان می کنند که از دست ما چه کار ساخته است یا صلاح مملکت خویش را خسروان دانند. غافل از این که خسروان کسی نیستند جز خود ما و نه شخص دیگری که ما خود از یک خسرو ساخته ایم، قدرتی که در نهاد تمامی آحاد ما برای تصمیم گیری و تصمیم سازی و انتخاب نهفته است. هیچ سپاه یا لشکری با تمام تجهیزات و ساز و برگ های نظامی پیشرفته و مدرن امروزی به همراه ندارد. چرا که تا مردم چیزی نخواهند آن چیز به وقوع نخواهد پیوست. نمونه های فراوانی از این دست برای مثال داریم. از جمله انقلاب مردم ما در مقابل رژیم شاهنشاهی پهلوی، شکست امریکا در جنگ مقابل خلق ویتنام، موفقیت جهانی و صنعتی کشور ژاپن پس از تحمل بمب های نابود کننده هسته ای از طرف آمریکا و پیشرفت های محیر العقول اقتصادی کشورهای آسیای جنوب شرقی همانند مالزی که عملا و با اقتدار برای تمام دنیا حرف دارند و تقریبا بی نیاز از قدرت های بزرگ دنیا هستند هر چند که براساس احترام متقابل تقریبا با تمامی دول رابطه دو جانبه دارند. و تحقیقا این توانایی های جز با عزم و راسخ و خودباوری آحاد مردم محقق نمی گردد پس با خود باری و یکپارچگی است که می توانیم بر تمامی مشکلات فایق شویم.
به هر حال یکی از حساس ترین و سرنوشت سازترین موضوع جامعه ما انتخابات است که تمامی ارکان اساسی نظام جمهوری اسلامی بر این پدیده و واقعیت مهم شکل می گیرد. از انتخاب رهبری تا انتخاب شورای اسلامی روستا، آن هایی که مثل من سن و سالی را پشت سر گذرانده و چند دهه انقلاب را تجربه کرده اند حتما به این نکته پی برده اند که برای پیشرفت استان خود و حضور خود یک راه در پیش داریم و آن حضور زنده همراه با بیداری در تمامی انتخاباتی است که در کشور برگزار می شود از آن جمله: انتخابات مجلس شورای اسلامی است که در حقیقت تبلور عینی حکومت مردم بر مردم می باشد که پس از شکل گیری مهم ترین و اساسی ترین رکن حکومتی در خصوص قانونگذاری و نظارت و بازرسی بر تمام امور تلقی می گردد. به فرموده امام (ره) مجلس عصاره ملت است و عصاره ملت یعنی مقدس ترین و والاترین نهاد یک نظام. به همین جهت است که مجلس حق دارد در تمام امور مملکت تحقیق و تفحص کند پس غفلت در شرکت چنین مهمی خسارات جبران ناپذیری را به دنبال خواهد داشت. به هرحال اگر نگاهی به گذشته بیافکنیم و سیر انتخابات ادوار گذشته مجلس را از نظر بگذارانیم می بینیم که هر دوره یک وکیل را روانه مجلس کرده ایم اما در بعضی موارد چون متاسفانه در انتخابات شرکت نکرده یا انتخابمان همراه با احساس و یا فارغ از آگاهی کامل بوده است این انتخاب مطلوب نظر ما نبوده است.
در هر صورت منظور نگارنده از این نوشتار تحت موضوع ضرورت و مدیریت انتخابات توسط مردم این است که همه با احساس وظیفه و تکلیف دینی میهنی آگاهانه در انتخابات شرکت کنیم و با این کار میدان را برای ورود اشخاصی به مجلس آماده کنیم که دارای توانایی های بالقوه و در خور و شایسته مردم و فرهنگ درخشان ملت متمدن ایران باشند در این صورت است که می توانیم از نماینده واقعی خود سه خواسته متوازن و عقلانی زیر را انتظار داشته باشیم که عاقبت به خیری همه را به دنبال خواهد داشت: ۱- در نظر گرفتن مصالح سیاسی و اقتصادی کلان کشور در تعامل با سایر دول و معرفی کشور به جهانیان به عنوان کشوری توانا با ملتی متمدن که دارای قابلیت های فراوان اقتصادی و فرهنگی است با تصویب و اصرار بر اجرای مقررات مترقی.
-۲ دفاع و پاسداری از حقوق مصرحه مردم در قانون اساسی بدون در نظر گرفتن قومیت، جنسیت و نژاد ضمن ایجاد فضای باز سیاسی و تکثر گرایی به منظور رشد و نبوغ و نمو فکری جامعه به دور از پرداختن به مسایل تفرقه انگیز جناحی و منافع گروهی و نهایتا فراهم آوردن زمینه ترقی و تعالی و بالندگی ملت در تمامی زمینه ها با تصویب قوانین متناسب با مصالح کشور. ۳- رسیدگی و پی گیری مطالبات عموم مردم در حوزه انتخابی در جهت رفع محرومیت ها که منافع آن در مرحله نخست به همه مردم برسد در هماهنگی با قوه مجریه، البته رسیدگی به خواسته های مشروع شخصی موکلین نیز در مرحله آخر و در صورت وجود فرصت از وظایف وکلای محترم مجلس می باشد.
به امید آن روز انشاا...

قصه تلخ رد صلاحیت یک کاندیدا

نویسنده:حسین زارعی

شاید همه این قصه ی تلخ تاریخ راشنیده باشند، آنگاه که حضرت امیرالمومنین علی(ع) در محراب مسجد، درعملیات تروریستی گروهی مقدس نما، فرقش شکافته شد؛ مردم انگشت به دهان ماندند که عجب؛ مگرعلی هم اهل نمازو عبادت بوده است؟! بلی دوستان تصوراین سوال درآن جامعه برای ماکه ازانواع وسایل اطلاع رسانی روز بهره می بریم، نه تنها جای تعجب بلکه فرض آن هم محال است.



آنچه اینجانب راواداربه نگارش این مقاله نموده است، حرف و حدیث ها وبه عبارتی برچسب هایی است که تحت عناوین مشترک برشخصیت افرادی دلسوز به نظام و انقلاب زده می شود. کسانی که زجرها متحمل گردیده اند تا نام پرآوازه ی ایران اسلامی گوش دنیا رابنوازد. از جمله دوستان دلسوز نظام که بنده آشنایی کامل با شخصیت و روحیات ایشان دارم، جناب آقای حاج ماشاءالله حیدرزاده می باشد که خود راآماده خدمتگزاری درسنگری دیگر ازسنگرهای تلاش و کوشش نظام کرده بود که متأسفانه به دلایلی که ایشان خود وخانواده خود راسپردفاع ازآن کرده بود، ردصلاحیت می شوند. شاید اگر گفته های بنده به همین جاختم می شد، هر خواننده ای این را یک نوع مظلومیت نمایی فرض می کرد و به راحتی ازکنارآن رد می شد،اما آنچه درپی این نوشته می آید دلیل براین مدعاست:
-۱اگربخواهیم سوابق کسی را بررسی کنیم، شاید میدان جنگ و نبرد مستندترین سند برای سنجش افراد باشد؛ که در این خصوص باید گفت حضور۳۳ماه در جبهه های جنگ و نبرد و افتخار جانبازی در پرونده این شخص خودنمایی میکند. پس بیاییم و صلاحیت حیدرزاده را از عملیات فتح المبین، رقابیه، جزیره مجنون، فاو، والفجر مقدماتی، والفجر۲و۸، مهران و... سوال کنیم. بی شک خاک آنجا زبان تحسین خواهد گشود.
-۲ کمترکسی است که نام شهیدان حیدرزاده را درسطح استان وهمرزمان ایشان درکشور نشنیده باشد. فرماندهی گروهان غواصی استان درعملیات کربلای۴ دلیل بررشادت وشهامت این شهید و این خانواده است. شهادت پدر نیز از دیگر افتخارات این خانواده است.
-۳ آیا ۲۵ سال سابقه خدمت و مدیریت اجرایی در کشور (درذیل به بعضی ازآنهااشاره خواهدشد) دلیلی بر وفاداری به نظام و انقلاب و رهبری نیست؟
الف:شهرداری شهرهای بندرریگ وبندرکنگان به مدت۴سال
ب:بخشداری بخش مرکزی بوشهروبخش دلواربه مدت ۴سال
ج:فرمانداری تنگستان به مدت ۴سال
د:فرمانداری گناوه به مدت ۲سال
ح:مدیرکل تعاون استان به مدت۱/۵سال
و:مسئول ستادتجهیزات آموزشی سازمان آموزش و پرورش و سایرخدمات به مدت۱۰سال
-۴ شاید ذکراین نکته ها برای جوانان بسیجی جدید وشنیدنی باشد که آقای حیدرزاده عضو فعال اولین هسته تشکیل گروه ضربت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بعد ازپیروزی انقلاب بوده است. فرمانده پایگاه مقاومت و عضوهیئت امنا حزب الله استان بوده اند. سابقه خدمت درقسمت های مختلف سپاه استان راداشته اند. دارای سه برادر جانباز و بسیجی هستند. آیا با این توصیفات می شود حیدرزاده را وفادار به نظام ندانست؟!
درپایان روی صحبتم با برادرانی است که ناخواسته و ناآگاهانه و شاید هم ناعادلانه دست به ردصلاحیت حیدرزاده زدند. آقایان شمامسلمانید، همین طورکه ما هستیم .شما قرآن خوانده اید، همین طورکه مامی خوانیم. شما انقلابی هستید، همین طورکه ما بوده وهستیم و خواهیم بود. به فرض که حیدرزاده این سوابق راینداشته باشد، یا هرحیدرزاده ی دیگررامثال می زنم. آیا رواست این طوربی محابا انگشت اتهام راسوی کسی درازکرد و برچسبی رابرشخصیت ایشان چسباند؟ اگرادعا می کنید که مسلمانید، قدری به اخبار واحادیث دین اسلام رجوع کنید تا ببینید که بزرگان دین ماچگونه تهمت وافترا رانکوهش کرده اند و ما انسانها رابه دوری ازآن سفارش کرده اند. قدری به فرمایشات مقام معظم رهبری درسال۸۲ برگردید ودغدغه های ایشان درباره ی حفظ حرمت و شخصیت افراد که مهمتر از خود انتخابات است راملاک قرار دهید. بیایید و ملاک راقانون اساسی قراردهید که اصل رابر برائت اشخاص می داند. بیایید وملاک عملکرد راازدین خودمان "اسلام"استخراج نماییم نه فرموده استالین (هر که با ما نیست، دشمن ماست).
به هرحال اکنون که جناب آقای حیدرزاده و سایرکاندیداها اعتراض خود رابه شورای نگهبان قانون اساسی اعلام کرده اند، انتظار می رود که آنچه گفته شد ملاک عمل قرارگیرد تاان شاءالله هم در این دنیا وهم درآن دنیا شرمنده ی کسی نباشیم.

معرفی کتاب

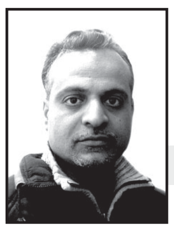
تاثیر فناوری اطلاعات وارتباطات بربرنامه ریزی شهری وناحیه ای

نویسنده:جوا تالویتی
مترجم:جهانگیرحیدری
انتشارات:شروع

هدف از نگارش این کتاب ؛بنابه گفته نویسنده وباتوجه به عنوان کتاب؛ مشارکت دربحث تاثیرفناوری اطلاعات وارتباطات دربرنامه ریزی شهری است.زیرا توسعه فناوری اطلاعات وارتباطات وکاربردهای آن به عنوان شکل جدیدی از ارتباط توسعه فضایی بویژه شهرها را تحت تاثیرقرارداده و بنا بر این ضروریست این مهم در امربرنامه ریزی فضایی بطورجدمدنظر قرارگیرد.



کتاب مذکور مشتمل بر۴ فصل است.فصل اول به درک روند پیشرفت اجتماعی به عنوان نقطه اغازین اشاره میکند.فصل دوم توسعه فناوری اطلاعات وارتباطات را تشریح مینماید.در فصل سوم به تاثیر فناوری اطلاعات وارتباطات برتغییر فضایی پرداخته شده است.فصل چهارم نیز به گنجاندن اثرات فناوری اطلاعات وارتباطات درفرایند برنامه ریزی شهری وناحیه ای اختصاص دارد.کتاب مورد نظر به تمامی دست اندرکاران امورتوسعه فضایی ودانشجویان علاقه مند توصیه میشود.زیرادرعصرحاضر فناوری اطاعات درزمره زیربنای حرکت جوامع به سوی توسعه پایداربوده وبه عنوان بستر وابزارمهمی برای رشد سایربخشها تلقی میگردد.

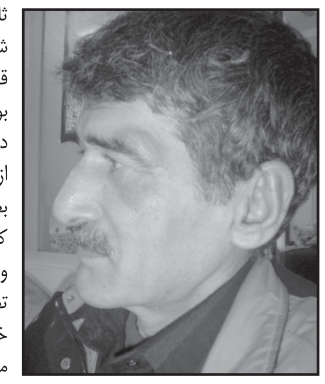


دبیر صفحه: مهدی صالحی زاده

این طوفان شاهین را به کجا می برد؟!

آقای ایران دوست شما ملاحظه کاری می کنید و دیگران سعی درلاپوشانی مسایل دارند

محمدجهان‌افروزیان



ثانیه های آخر بازی شاهین پارس این قدر جانکاه و سخت بود تا نصرت ایران دوست بارها و بارها از مولا علی کمک بطلبد. لب ها هایی که با هر بار بالا و پایین رفتن در تصویر تلویزیون خواسته ای به جز مدد و یاری از صاحب ذوالفقار چیز دیگری طلب نمی کرد. وقار و پایبندی به شرم و حیا از نمونه آثاری بود که در قیافه ی نجیب این مرد شمالی می توانستی به راحتی احساس کنی، حیا به خاطر حفظ حرمت، و شرف درآبروداری با مردم بوشهر و شرم از نتیجه ای که توجیه آن در چند جمله فنی غیر ممکن به نظر می رسد.

در این بازی شاهین پارس بوشهر این قدر بد بازی کرده است تا نیازی به تجزیه و تحلیل کارشناس نداشته باشیم. اما تیمی که در زمان ۹۰ دقیقه ای بازی از دادن چند پاس ساده و ابتدایی وعبور انفرادی از یار مقابل عاجز به نظر می رسد جای بحث بسیار دارد، شاید لازم باشد اولین سوال را از خود آقای ایران دوست داشته باشیم که آیا توان این تیمی که شما فعلا رهبری آن را بر عهده دارید آن هم در آخرین بازی از نیم فصل اول مسابقات در همین حدی است که ما هم آن را تماشا کردیم؟

هیچ کس منتظر جواب مثبت و منفی شما نیست، اما سوالی که در این جا مطرح می شود این است که جناب عالی با چه شناخت و معیارهایی که در پنهان با مجموعه ی شاهین پارس داشته اید این مسوولیت را قبول کرده اید؟ در روز اول ورود شما به بوشهر نظر ما این بود که شخصیتی مثل آقای ایران دوست بی گدار به آب نمی زند و با یک شفافیت و آگاهی نسبی، پا به این شهر می گذارد اما تا هنوز پاسخی برای این شبهه نتوانستیم پیدا کنیم!

به هر حال آب این برکه از زانوی شما گذشته و سر تا پای شما را خیس کرده است. البته کسی که می خواهد در یک دریای خروشان شنا کردن را مزمزه کند باید فکر غرق شدن در آن را هم بکند که امیدواریم برای شما این جوری نباشد. قصد ما بزرگ کردن یا کوچک کردن کسی نیست پول خرج شده است و تشکیلاتی شب و روز زحمت کشیده اند. خیلی ها آمده و رفته اند و کسانی در آرزوی یک تغییر و تحول برای پیشرفت و موفقیت چشم انتظار تا همین امروز خون دل خورده اند. مشکل این تیم را در کجا باید جستجو کرد؟ آیا این بازیکنان گرفتار مسایل روحی و روانی هستند؟ آیا کادر فنی به درستی نمی تواند از داشته های خود استفاده کند؟ مجموعه مدیریتی باشگاه با ابزارهایی فوتبال حرفه ای بیگانه است و یا اصولا انتظار بیش از این نباید این گونه بازیکنان داشته باشیم؟ بالاخره جایی باید مشخص شود که سرچشمه این نوسانات که سطح کیفی بازی های این تیم را تا بدین درجه تنزل داده است از کجا نشات می گیرد . فوتبال حرفه ای شرایط را طوری رقم زده است که هر کس در مقابل توانایی های خود بهایی دارد و حق هم همین است اما تعهداتی که فی مابین او و باشگاه هم که منعقد شده است باید برآورده شود. همه در برابر آن چه که تاکنون بر باشگاه شاهین پارس جنوبی بوشهر گذشته است مسوول هستند و باید جوابگو باشند. مبلغ قابل توجه ای از پول همین مردم هزینه شده است اما نتایج گرفته شده ارزش و منزلت این خرج و مخارج را نداشته است.

مدیریت باشگاه در گزینش های خود اشتباه کرده است. کادر فنی در حرکت و انسجام این تیم با مشکل روبه رو بوده است و بازیکنان انتظارات باشگاه را برآورده نکرده اند. آقای ایران دوست بر حسب موقعیت کاری بعضی ها را سراغ دارم که در بازی روزگار به اندازه ای دست به دست شده اند که حالا وقتی ظهر می خواهند به خانه بروند نمی دانند که با دست پر روی زن و بچه خود می روند و یا دست خالی. خیلی وقت ها تا نزدیکی درب سرای خود آمده اند اما شرمنده دق الباب نکرده برگشته اند. بسیاری از آن هایی که شما آن ها را روی سکوها می بینید و در کنار شما هستند، برای این تیم از همه چیز خود گذشته اند. باری؛ اغلب از این گونه آدم ها هستند. شما در بیان حقایق ملاحظه کاری می کنید و دیگران سعی در لاپوشانی مسایل به وجود آمده دارند. در این جا تنها ما می مانیم و یک تیم ته جدولی که آخر وعاقبتی هم نمی توانیم برای آن متصور باشیم. وآخر این که این طوفان ما را با خود به کجا خواهد برد خدا می داند!



عکس از ضیا جمالی

بیاد جوانان دیروز

گفت و گو با پیشکسوت گران قدر فوتبال بوشهر؛احمد تورانی:

باید قدیمی ها حس نکنند که دیگر از یاد رفته و فراموش شده اند

مصاحبه از رضا سیاوشی



– آقای تورانی فوتبال دوستان بوشهری شما را می شناسند اما برای آشنایی بیشتر لطفا خودتا را معرفی کنید.

– احمد تورانی متولد ۱۳۲۵– ۶۱ ساله شغل بازنشسته اداره آب. متولد آبادان.

– سابقه ورزشی تان (اولین بازی، اولین مربی، اولین باشگاه) را شرح دهید.

– مثل تمام ورزشکاران بازی فوتبالم را در زمین های خاکی آبادان زیر نظر زنده یاد مرحوم منوچهر سالیا شروع کردم در سال ۱۳۴۴ یعنی ۴۲ سال پیش که به بوشهر آمده زیرنظر زنده یاد مرحوم جواد گرانبها ادامه دادم.

– در چه پستی بازی می کردید؟

– من در پست هافبک وسط انجام وظیفه می کردم.

– چه مقایسه ای از وضعیت موجود فوتبال با دوران ورزشی خودتان دارید؟

– تفاوت فوتبال در حال حاضر با قبل زمین تا آسمان است در آن زمان گرچه امکانات مثل الان نبود و زمین فوتبال مساعد و استاندارد که بازیکن بتواند خلاقیت خود را بروز بدهد ولی در عوض تمام بازیکنان خودجوش و دارای استعداد ذاتی بالایی بودند مخصوصا از نظر اخلاقی و گوش دادن به فرامین مربی های خود دقیق بودند و همین محسنات مایه پیشرفت آن ها بود.



– با کدام یک از همبازی های هم دوره خود در ارتباط هستید؟

– با اکثرا آن ها در تماس هستم و برای همدیگر ارزش بالایی قایل هستیم و به جز آن هایی که در قید حیات نیستند.

– چه توقع و انتظاری از مسوولین ورزشی استان دارید؟

–این که حداقل یادی از قدیمی ها بشود و آن ها حس نکنند که دیگر از یاد رفته و فراموش شده اند. البته یکی دو سالی است که از آن ها تجلیل به عمل می آید که امیدوارم این کار تداوم داشته باشد. چون فوتبالیست های قبل برای عشق به فوتبال و تعصبی که نسبت به باشگاه و پیراهن آن داشت فوتبال می کردند و لاغیر.

– چه پیشنهادی جهت رشد ورزش استان، به خصوص فوتبال دارید؟

– فوتبال را از پایه شروع کنند و به نوجوانان و جوانان و امیدها اهمیت زیادی بدهند چون آن ها هستند که پشتوانه خوبی برای فوتبال شهر و استانشان در آینده خواهند بود و از کسانی برای تربیت آن ها استفاده کنند که اهل فن باشد و خودشان فوتبالی بوده باشند تا بتوانند اندوخته های خود را در اختیار آن ها بگذارند.

– یک خاطره ورزشی تعریف کنید.

–انتخاب شدن در سال ۱۳۴۷ به تیم ملی ایران که آرزوی هر ورزشکاری است و همچنین مربی گری تیم ملی جوانان ایران در زمان معلم بزرگ اخلاق زنده یاد پرویز دهداری.

– جایگاه پیشکسوت در بوشهر کجا قرار دارد؟

–از طرف متولیان ورزش اعم از تربیت بدنی و هیات فوتبال سالانه کارهایی انجام می گیرد. ولی متاسفانه پیشکسوتان در باشگاه خود که سالیان سال جوانی خود را صرف آن باشگاه عزیز کرده اند جایگاهی ندارند. از ما که گذشت امیدوارم با جوانان که سرمایه ی اصلی باشگاه ها هستند این گونه برخورد نکنند.

صعود تیم نونهالان ایرانجوان بوشهر به دسته دوم کشور

ماشاء الله به غیرت نونهالان ایرانجوان بوشهر



مسابقات فوتبال نونهالان گروه دوم زیر گروه ایران با شرکت چهار تیم فوتبال ایرانجوان بوشهر، شهرداری کاشان، استقلال کرج و بهار همدان به مدت سه روز اواخر هفته گذشته در استادیوم شهید بهشتی بوشهر و به میزبانی تیم ایرانجوان بوشهر به انجام رسید. در این مسابقات تیم فوتبال نونهالان ایرانجوان با ارایه فوتبال ساده توأم با دوندگی و غیرت جنوبی با کسب پنج امتیاز و با تفاضل گل بهتر نسبت به دو حریف دیگر یعنی شهرداری کاشان و استقلال کرج در سکوی اولی قرار گرفت و با این نتیجه به مسابقات نهایی جهت صعود به دسته اول کشور نایل گردید. امید است تعصب و فداکاری نونهالان ایرانجوان بوشهر تلنگری باشد به چهره بی خیال بازیکنان لیگی استان بوشهر.

در پایان مسابقات، مدیرعامل ایرانجوان بوشهر، مجید چاهی بخش اظهار داشت: هزینه این مسابقات چیزی حدود چهار میلیون تومان بود، که کل مبلغ را شخصا پرداخت نموده و هیچ ارگانی دست یاری به ما نداد. وی در رابطه با سطح کیفی بازیها عنوان کرد: بازی های این سری از سطح نونهالان از درصد خوبی برخوردار بود به طوری که تا روز آخر همه تیم ها برای صعود می جنگیدند.

عادل بلام زاده سرمربی تیم نونهال ایرانجوان هم در رابطه با بازی هایی که در بوشهر برگزارشد به خبرنگار ما گفت: همان طور که خودتان مشاهده کردید، سه تیم اول یعنی بوشهر، کاشان و کرج رقابت تنگاتنگی داشتند که خدا کمک کرد و ما با ارایه فوتبال اصولی به عنوان اول از گروه خودمان صعود کردیم.

بهترین های مسابقات:

ایرانجوان بوشهر: عظیم افتخاری، حسین پورشاکر، مهدی کاووسی، پویا خالق پناه و امیرحسین دهقان

تیم استقلال کرج: علیرضا کاظم لو، میلاد سوری و میثم خانی

شهرداری کاشان: مصطفی زاع

بهار همدان: حسین صالحی منش

نتایج مسابقات

ایرانجوان بوشهر صفر	شهرداری کاشان صفر
استقلال کرج ۲	بهار همدان صفر
ایرانجوان بوشهر ۶	بهار همدان ۱
استقلال کرج ۱	شهرداری کاشان ۱
ایرانجوان صفر	استقلال کرج صفر
شهرداری کاشان ۴	بهار همدان ۱

اسامی تیم نونهالان ایرانجوان: غلامحسین خزروان، مهدی کاووسی، علی برغمان، امیرحسین دهقان، امید محمدی، عظیم افتخاری، یاسر اندایش، امیر بردال، میلاد پاشنگ، بهروز نوروزی فرد، مسعود دانا، حسین پورشاکر، سعید غنی، علی ذوقی، پویا خالق پناه، ایمان فرتوت، سینا طوفانی، مهدی پودری، علی زنگویی، ایمان احمدی، مهدی دانا، محمد اسماعیلی، فرشید زنده بودی، عباس احمدی باغکی و رحیم غریبی، سرمربی عادل بلام زاده، مربی: رضا چاهی بخش، سرپرست: منوچهر ملکوتی.

ایرانجوان بوشهر صفر

ایرانجوان هر چه زد به در بسته خورد

پیام مخابرات شیراز صفر

داور: امید صالحیان – اخطار: رحیمی رحیمی، محمد ابراهیمی و مسلم قنواتی (پیام) غلامرضا زارعی (ایرانجوان) بهترین بازیکن میدان: علیرضا امین (پژمان) ازتیم ایرانجوان

بوشهر: جمعه ۲۶ بهمن ماه ۸۶: تیم فوتبال ایرانجوان با یک ترکیب نسبتا خوب به مصاف میهمان خود، پیام مخابرات شیراز رفت. در روزی که هوایی طوفانی بر محیط ورزشگاه حاکم بود و تا حدودی حاضرین را اذیت می کرد، طوفان ایرانجوان در طول نود دقیقه بازی با کاکوها زیاد لرزه به ریشه تنه ی شیرازی ها نیانداخت

سرخ پوشان بوشهر با ارایه یک بازی هجومی و سرعتی حریف را عاصی کرده بودند اما حریف شیرازی تمام روزنه های نفوذ را با برتری عددی در اکثر مناطق به خصوص خطوط میانی و دفاعی به روی ایرانجوان بسته بود و در نهایت با کسب یک امتیاز راهی شیراز شد. در تیم ایرانجوان علیرضا امین (پژمان) ستاره میدان بود. او با پاس های خوب به همه تیم های خود حریف را بسیار اذیت کرد متأسفانه قدر پاس های حساب شده اش را ندانستند. پس از او زارعی ، درویشی و حیدری بهتر از دیگران ظاهر شدند.



علی رضا امین (پژمان) بهترین بازیکن میدان

شاهین پارس جنوبی صفر

هنرمندان بی تعصب شاهین پارس جنوبی

ماشین سازی تبریز صفر

دارو: جابری – اخطار: عبدی زاده (شاهین) اسلامی، آقازاده و باقری (ماشین سازی) تماشاگر: ۵۰۰۰ نفر

باز هم سریال مساوی های تیم فوتبال شاهین بوشهر دنباله دار شد. در روزی که همه چیز مهیا یک پیروزی خوب برای سفید پوشان شاهین بوشهر بود، هنرمندان بی تعصب شاهین برای چندمین مرتبه، با میهمانان خود، مهربانی کردند و با تقسیم امتیاز با آذری ها، دل ترک های دیار شهریار را نشکسته و ساز ناکوک شان، گوش که هیچ، دل همه بوشهری ها را به درد آورد. هیچ کس باور نمی کرد. جای تعجب است که تیم میلیاردی شاهین پارس جنوبی با آن همه سر و صدا این چنین فانوس به دست جام آزادگان باشد. روزی که تعصب و بی پولی در شاهین حاکم بود نتایج خیلی بهتر و آبرومندانه بود و در فوتبال ایران سر را بلند نگه می داشتیم.

در تیم شاهین پارس همه کارهای اصولی فوتبال رعایت شده به جز امر روانشناسی ، در فوتبال امروز هم در جریان بازی های ماراتنی عملیات روانی بر روی روان ورزشکاران بسیار موثر بوده و جهان فوتبال از این حیث بهترین بهره را برده است. امید است بازیکنان و اهالی فوتبال شاهین پارس برای بلند کردن سر فوتبال بوشهر از جان مایه بگذارند.

شاهین پارس بوشهردر انتظار ضربه ی آخر

مسعود پالیزدان – آنالیزور شاهین پارس

شاهین پارس در دیدار با ماشین سازی تبریز با سیستم ۳–۳–۴ وارد زمین شد و می بایست در ۱۵ دقیقه اول با توپ های بلند روی دروازه حریف از ریباندها به گل می رسیدیم. ولی بی دقتی بچه ها در ضربات آخر باعث شد به خواسته هایمان نرسیم. ضمن این که در ارسال های جناحین نیز دقت کافی وجود نداشت. در نیمه دوم با توجه به وجود باد به نفع ما می توانستیم از شوت های راه دور به گل برسیم که کمتر دیده شد و هر چه بازی به دقیقه ۹۰ نزدیکتر می شد. استرس نیز در نزد بازیکنان، مربیان و حتی تماشاگران زیادتر می شد و حتی تعویض های ما نیز پاسخگوی نیاز مربیان نبود و گواه بر احساسی بودن ما بود. البته بعد از تعویض دقیقه ۸۰ ماشین سازی که سیستم ۱–۴–۵ خود را تکمیل کردند ما اگر از دفاع کم می کردیم فکر می کنم بهتر بود و شاید ریسک بهترین کار بود.

البته تیم ما در بازی های اخیر با فولاد و ماشین سازی نشان داد می تواند موقعیت گل خلق کند ولی در ضربات آخر هنوز کار داریم و باید بیشتر تلاش کنیم چون فاصله تیم های لیگ ۱ واقعا زیاد نیست که فولاد ۲۶ امتیاز و شاهین ۸ امتیاز باشد. امیدوارم تماشاگران دلسرد نشوند و مثل همیشه حامی بچه ها باشند تا به نتایج دلخواه خود برسیم و شرمنده مردم و مسوولین نباشیم.



از لیگ فوتبال دسته اول استان بوشهر چه خبر؟

بدترین روزهای فوتبال بوشهر در هفته یازدهم

نتایج هفته یازدهم

توحید ۲ ایران جوان خورموج ۲

امید گناوه ۲ پرسپولیس بنه گز صفر

گاز جم ۴ کارگر بنه گز ۱

ندسا بوشهر ۱ بهمن برازجان ۱

در جریان مسابقات فوتبال لیگ دسته اول فوتبال بوشهر دیدار دو تیم توحید بوشهر و ایران جوان خورموج، صحنه هایی به وجود آمد که در خور شان فوتبال بوشهر نبود. پیرمرد تیم ایران جوان خورموج (حاجی منفرد) به دلیل داوری ضعیف استادزاده داور میدان، به این امر معترض بود که ادامه این حکایت که توام بود با اعتراض چند هوادار خورموجی به درگیرهای فیزیکی در بین هواداران توحید و ایران جوان خورموج باعث شد که دوانی هم وارد میدان شود. دوانی که آرام در گوشه ای نشسته بود را وادار کردند که با منفرد بگو مگوهای شدیدی به وجود بیاید و دراین بین کلمات و جملات زیبایی به گوش نرسید. بازی به حساب ۲ – ۲ مساوی شد. ولی گلی که در ثانیه های پایانی بازی درون دروازه خورموجی ها به تور بوسه زد آن هم از روی ضربه آزاد مستقیم به کمک داور دوم بازی به اشتباه آفساید اعلام کرد. این تصمیم باعث به هم ریختن جو استادیوم شهید بهشتی بوشهر شد.



بهترین بازیکن هفته : محمو د باژوند از ایران جوان خورموج



بهترین مربی : محسن رنجبران از گاز جم

برگزاری مسابقات ورزشی به مناسبت دهه فجر در شیلات بوشهر

مسابقات ورزشی به مناسبت دهه مبارکه فجر در ۵ رشته فوتسال، دوومیدانی، شطرنج، پینگ پنگ و آمادگی جسمانی بانوان در طول ایام دهه فجر برگزار گردید، در رشته فوتسال دو تیم معاونت صید و حفاظت منابع اول شدند. در دو ۱۰۰ متر در دست، کام یاب و خسروی فرد و در دو ۲۰۰ متر، سرتلیان، گشمردی و صادقی به ترتیب به مقام های اول تا سوم دست یافتند. در رشته شطرنج، باقری عظیمی و شیخیانی و در پینگ پنگ ،یوسفی فرهادی و یاراحمدی اول تا سوم رشته های خود شدند. در رشته آمادگی جسمانی بانوان در رده سنی ۲۵ تا ۳۴ سال، افضل نیا، ابراهیمی و تاشک و در رده ۳۵ تا ۳۹ ، ربیعانی، پاشنگ و عالی حسینی و در رده ی ۴۰ سال به بالا حسنی، محمدی و محسن زاده به عناوین اول تا سومی را کسب نمودند.

احمد نوشادی رییس هیات دوومیدانی استان بوشهر:

مقام سومی بوشهری ها در در تاریخ دوومیدانی ایران بی سابقه است

احمد نوشادی، رییس هیات دوومیدانی استان بوشهر در خصوص

1



مقام سومی تیمی در مسابقات دوومیدانی داخل سالن ایران به خبرنگار ما گفت: در این سری از مسابقات بچه ها همه خوب کار کردند. امین حسین زاده رهبر، پیمان رجبی، لیلا رجبی و... همه عملکرد خوبی داشتند که تیم ما (پیاممخابرات بوشهر) بین کلیه استان های ایران به مقام سوم رسید و این نتیجه تیمی در تاریخ دوومیدانی بوشهر بی سابقه است. امید است تا با تلاش مضاعف سکوی اولی را به بوشهری های عزیز هدیه دهیم.

گناوه برای لیروای کوچک است

2



در جریان فینال مسابقات فوتبال امیدهای استان بوشهر که در دو هفته گذشته در برازجان بین دو تیم فوتبال پیروزی بوشهر و شاهین گناوه برگزار گردید و با نتیجه پنج بر صفر به سود بوشهری ها به انجام رسید، تک ستاره تیم شاهین گناوه با شماره ۱۵ میانه زمین بزرگی می کرد. البته این بازیکن کمی اضافه وزن دارد. قاسم لیراوی متولد گناوه با ۱۹ سال در خط هافبک تیم شاهین گناوه با یک فوتبال زیبا و رو به جلو در اکثر خطرهای تیمش شرکت داشت. البته در استان، لیراوی های زیادی وجود دارند که از چشم استعداد یاب های استان به دور مانده اند. اگر در استان یا بهتر بگوییم در همان شهر گناوه روی این بازیکن به درستی کار شود گناوه که هیچ، استان بوشهر برای او کوچک خواهد بود. به امید روزی که بازیکنان مثل قاسم لیروای به حق خود در فوتبال ایران نایل شوند.

یکی از ستاره ی آسمان فوتبال بوشهر

نام این بازیکن را به یاد داشته باشید

3



یکی از بازیکنان تیم ندسا بوشهر که تجربه خاصی در پست های هافبک راست و چپ دارد، جوان ریز نقشی است به نام سیدعقیل سخاوت. این فوتبالیست سابقه بازی در تیم های نوجوانان و جوانان شاهین و شهرداری بوشهر دارد و امسال به تیم فوتبال ندسا پیوسته. سید عقیل در مسابقات فوتبال لیگ دسته اول استان بوشهر یکی از محورهای اصلی تیم ندسا بوده، او از درس و مشق غافل نبوده و هم اکنون تحصیلات دانشگاهی را ادامه داده تا در آینده در کار ورزشی از علم هم بهره کافی می برد، او معتقد است قهرمان لیگ امسال در استان تیمی خواهد بود که از نظر فنی و قلبی یکی باشند و تیم خودشان، ندسا را شایسته قهرمانی می داند. وی لیگ امسال را از نظر کیفی به مراتب بهتر از سال های گذشته می داند و عنوان می کند به خاطر این که اکثر تیم ها بازیکنانی دارند که در لیگ های ۱ و ۲ ایران توپ زده اند. سید عقیل در پایان از همه مربیان که برایش زحمات زیادی کشیده اند تشکر نمود. نام این بازیکن با اخلاق و فنی را به یاد داشته باشید.

خدا را شکر ساها واگشت

4



روبرت ساها در اوایل لیگ دسته اول فوتبال ایران درچند بازی از ناحیه ران راست دچار پاره گی به اندازه هشت سانتی مترگردید. وی جهت مداوا به تهران رفت و زیر نظر دکتر نوروزی تحت درمان قرار گرفت. این بازیکن صد میلیونی که هنوز سلامتی کامل خود را به دست نیاورده اواسط هفته گذشته به بوشهر آمد و پزشک خوزستانی تیم شاهین پارس اعلام کرد مصدومیت ساها تقریبا خوب شده و از دو هفته دیگر می تواند در میدان حاضر شود. با توجه به این که ساها از لحاظ بدنی شرایط آمادگی صد درصد را ندارد باید دید نظر نهایی نصرت ایران دوست در خصوص جناب ساها چه خواهد بود؟!

هفته نامه سیاسی ، فرهنگی ، اقتصادی ، ورزشی

نسیم جنوب

- صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
- مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
- صفحه آرایی و گرافیک: میثم قیصی زاده • عکاس خبری: عباس حید ری
- نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه جانبازان
- دفتر هفته نامه نسیم جنوب
- تلفن: ۲۵۲۵۹۰۰ فاکس و پیامگیر: ۲۵۲۸۱۵۱
- ایمیل: info@nasimjonoub.com صندوق پستی: ۱۱۹۹
- لیتوگرافی چاپ: کارگر



یادداشت های یک همشهری

عدم توان تحمل رقیب و مخالف خود

دکتر محمد جعفر ایزدپناه

ایران می تواند قدرتمندترین کشور آسیا باشد. ۸درصد ذخیره و گازی جهان را داراست. دارای تمدن ۲۵۰۰ ساله ای است که از کشورهای پیشرو در ساخت تمدن بشری به حساب می آید. از موقعیت ژئوپلیتیک در منطقه برخوردار است که هر کشوری را می تواند به برقراری ارتباط و سرمایه گذاری در ایران تشویق کند. جاذبه های توریست آن توانایی جذب میلیون ها توریست به ایران و رونق صنعت گردشگری و افزایش اشتغالزایی را داراست. و دارای مردمانی باهوش و خوش فکر که می توانند در صورت باز شدن فضای رقابت و شایسته سالاری تبدیل به کار آفرینان و سرمایه گذاران موفقی در عرصه ی اقتصاد بشوند.

دارای ذخایر عظیم نفت در خاور میانه است. ذخایری که در سال جاری به نقل از وزارت نفت جمهوری اسلامی درآمدی نزدیک به ۷۰ میلیارد دلار برای کشور به همراه داشته است. با وجود تمام این امتیازات در رقابت با کشورهای منطقه بازنده بوده ایم به طوری که در رتبه بندی های اقتصادی وضعیت ایران پایین تر از کشورهای ترکیه و امارات و گرجستان و اردن و یمن قرار می گیرد. این عقب ماندگی به هیچ وجه قابل هضم نیست. در حالی که مدیران دولتی در سخنان خود ایران را کشورهای بزرگی و قدرتمند منطقه می دانند اما ناکامی های پی در پی اقتصادی دلیل کار بر ضعف و مدیریت و برنامه ریزی دولتمردان ایران است و از صدقه همین آشفته بازار و بی تدبیری است که کشورهای کوچک همسایه هم چون قطر و امارات از موقعیت های به دست آمده به خوبی استفاده کرده و ایران بازنده ی اصلی این رقابت منطقه ای می شود.

وضعیت معیشتی مردم که در سیل نامه های نگارش شده به رییس جمهور می تواند مشاهده کرد که اصلا در شان ملت متمدن ایران نیست. این مساله می تواند ناشی از به هم ریختگی سیاستهای اقتصادی و نداشتن یک مدیر توانمند باشد. پس بی دلیل نیست اگر کشورهای کوچک منطقه از موقعیت های خود در رقابت با کشور قدرتمند ایران خوشحال باشند چرا که یک ملت را به دلیل سوء تدبیر مدیران شان و بدون نیاز به تلاش بیش از حد، پشت سر گذاشته اند با وجود این همه نعمات خدادادی و در آمدهای بی سابقه نفتی، افزایش روزانه جمعیت که زیر خط فقر قرار می گیرند معلول ناتوانی تصمیم گیران مملکت است.

کشور بزرگ ایران تنها زمانی می تواند به جایگاه شایسته ی خود دست یابد که مدیران بزرگ و توانمند بتوانند سرشته امور را به دست گیرند. تا زمانی که دولتمردان ما تنها به دنبال اختلافات داخلی خود هستند و جهت به دست آوردن کرسی ها قدرت همدیگر را از صحنه ی رقابت حذف می کنند و درگیرهای عقیدتی خود را وارد تصمیمات خود می کنند و توان تحمل رقیب و مخالف خود را نداشته باشند وضع به همین منوال خواهد گذشت و چنان چه بدتر نشود، بهتر هم نخواهد شد.. در حالی که مسوولین ما تنها به فکر حذف رقبا و اختلافات داخلی خود هستند، کشورهای منطقه در آرامش کامل و برنامه ریزی منطقی و عقلانی نه تنها وارد درگیری های سیاسی با سایر کشورهای نمی شوند بلکه با ایجاد یک آرامش سیاسی محیط را برای جذب نخبگان اقتصادی ما باز و آماده می کنند و امید به پیشرفت را در مردم خود افزایش می دهند. حال تصمیم گیران ما هر چقدر می خواهند در وصف بزرگی و عظمت ایران شعار بدهند مهم تر از این شعارهای زیبا- صداقت در عمل و گفتار است. این که سیاستمداران ما چقدر به گفته های خود اعتقاد دارند و عمل می کنند؟ برای مردم مهم آرامش و امید به آینده است که تنها در ایجاد ثبات سیاسی و دوری از درگیری با سایر کشورها امکان پذیر است. در دنیای امروز نیروهای متفکر و مدیران خلاق سرمایه های معنوی کشورها به حساب می آیند. به دولت هایی که توان به کارگیری و جذب مدیران توانمند را دارند می توان در حل مشکلات امیدوار بود و گرنه دولت هایی که با سیاست های بسته خود باعث دفع نخبگان و مدیران توانمند می شوند با نفت بشکه ای هزار دلار نیز قادر به حل مشکلات نخواهند بود.

رئیس ائتلاف انتخاباتی اصلاح طلبان بوشهر:

امیدواریم که شورای نگهبان اشتباه فاحش هیئت های نظارت را اصلاح کند

مسعود شکوهی رئیس ائتلاف انتخاباتی اصلاح طلبان بوشهر در خصوص انتخابات پیش رو و وضعیت فعلی کاندیداها به خبرنگار نسیم جنوب گفت:«به اعتقاد بنده بخش عمده ای از نگاه ها سیاسی و جناحی بوده و برخی از افراد تلاششان این است که نگذارند اصلاح طلبان وارد عرصه انتخابات شوند و به مجلس ورود پیدا کنند.»



سخنگوی شورا افزود:« برخی احساس می کنند می توانند از جایگاهی که دارند استفاده کنند و بنده معتقدم که بعضی ها از این جایگاه سوء استفاده می کنند، عملکردی که هیچ وقت قابل دفاع نیست و ما امیدواریم که شورای نگهبان این اشتباه فاحش هیئت های نظارت را اصلاح کند و همه کاندیداهایی که اعلام آمادگی کردند و صلاحیت های لازم را بر اساس قانون دارند امکان رقابت و حضورشان در انتخابات فراهم شود.»

وی خاطر نشان کرد:« به هر حال لازم است که مسئولین ارشد نظام با کسانی که به دنبال منافع شخصی و جناحی و گروهی خودشان هستند به موقع برخورد کنند و نگذارند اتفاق ناگواری که الان بعضی ها به دنبال آن هستند پیش بیاید.»

سینمای غریب زاده فراتر از دوربین های سینما

(به انگیزه ی دریافت سیمرغ بلورین بیست و ششمین جشنواره ی فیلم فجر)

حماسه ی حق پرست

درآمدی بر دوربین گل های کاغذی تاریخ و گل ابریشم های جغرافیا: پیرامون داریوش غریب زاده ی سینما گر نگاشتن، گزاره ای است در قلمرو قلم های سینما گران و آشنایان به این وادی. اما، درباره ی داریوش غریب زاده ی هنرمند گفتن و نوشتن کاری است کز عهده ی هر اهل هنری بر خواهد آمد. هم از این رهگذار کافی است تا سویه های انسانی و پویه های هنری آمیخته با دوربین داریوش را قدری واکاویم و دغدغه های انسانی آن مرد را بررسیم.



نگاهی گذرا به آثار غریب زاده، نوع نگاه و ساختار اندیشگی او را نسبت به سینما باز خواهد نمایاند. سادگی روایت و موسیقی بی تکلف فیلم های غریب زاده به باور نگارنده از شاخصه ها و شاید مولفه های همواره ی آفرینه های سینمایی این سینما گر بوشهری اند.

این نشانه ها در فیلم های کوتاه "سفینه ژورنالیه" و "مرد آبی" به خوبی آشکار و نمایانند. هر دو داستان حکایت مردانی است که یکی بر بلندا و متن گل ابریشمی کهن برای روزنامه ها می نگارد و دیگری شرح حال مردی است که برای چاپ روزنامه ها در چاپخانه ای به کار مشغول است و برای بازیافت آرامشی که در درون او را به خود فرا می خواند به دامان طبیعت می گریزد و غوغای زندگی از دلهره سرشار را به کناری می افکند و یله در دشت ها به هر سویی رها می شود. اما موسیقی مکانیکی چاپخانه همچنان با اوست و . . .

یادآوری کند.موسیقی ساده و صمیمی غریب زاده در سفینه ی ژورنالیه گواه دیگری است بر درک و دریافت او از زخمه هایی که خاستگاهی جز زخم های انسانی ندارند. استفاده از شروه ی پولاد اسماعیلی در این گونه دستمایه ها ولی، بیش از آن که از زاویه ی دوربین به تصویر درآیند، تعهد و تاثر غریب زاده است به حیات نامحتوم و نامعلوم انسا ن ها!

داریوش، در روند هنری و روال نمایشی خود همیشه بر آن است تا انسان را رعایت کند و جهان آشفته ی کنونی او را در خوانشی نوستالوژیک نمایی از آن فیلم تعلق خاطر او را به فرهنگ توده ی مردم به اثبات می رساند . گفته ی بلابارتوک، گردآورنده ی عاشق ومشتاق آوازهای عامیانه پس از جنگ جهانی اول را واگویه می کند که:«من این امتیاز ویژه را داشتم که از نزدیک شاهد ساختاری اجتماعی باشم که هنوز از نوعی تجانس برخوردار بود ولی متاسفانه به سرعت نابود می شد و خود را در موسیقی متجلی می نمود.»



به هر روی آن چه امروز بر افتخارات فزاینده ی داریوش نشسته است، سیمرغی است برای "بومرنگ".

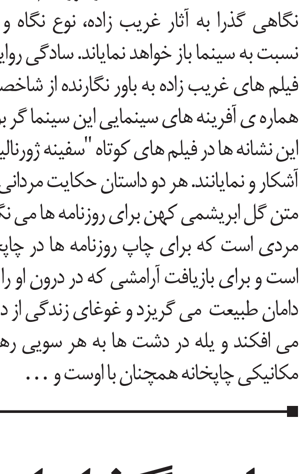
جدال یکسره ی انسان با خاموشی و نبرد در آوردگاه دیگر زندگی.میل همواره ی او برای زیستن، بودن و شدن آدمیزادگان که هرگز با هیچ سیاست و قدرت خودکامه ای پایان نمی پذیرد و در بدبینانه ترین صورت ممکن خود، گریزگاهی را برای پیوستگی زندگانی می آفریند و با اشتیاقی انسانی از دریا در می گذرد و درد مشترک خود را فریاد می کند! همه ی این گویه ها در دوربین داریوش جایی به روشنی آفتاب دارند و دل گویه های غریب اویند. . .

"حافظ" اما، همراه همواره ی این کارگردان انسانی است و به او آموخته است: کی شعر تر انگیزد خاطر که حزین باشد؟!

بی تردید داریوش می تواند از این آبنوشه ی بی پایان مدام بنوشد و بنیوشد. اینک، غریب زاده بیش از آن که سینما گری توانمند باشد، فخر و فخامت زندگی ماست در جغرافیای انسانی.بوشهر یا هر کجای دیگر! بنابراین سیمرغ اندیشه و مهربانی اش همواره برفراز باد .

پایه گذاران حمل و نقل در استرالیا، افغانی بودند

محمود دهقانی – استرالیا



پس از برقرای حاکمیت سفید پوستان بر سرزمین استرالیا و تبعید جانی ها و تبهکاران سیاسی از طرف دولت بریتانیا به این سرزمین ، در حق صاحبان اصلی استرالیا یعنی سیاهپوستان بومی (ابوریجینال) بی عدالتی شد. از جمله ی آن بی عدالتی ها ربودن کودکان ابوریجینال از دامان مادران بود که به (نسل دزدیده شده) معروف است. در حال حاضر پس از دویست سال آقای کیون راد نخست وزیر جدید استرالیا در صدد است تا با طرح جامع و انساندوستانه ای از ابوریجینال ها عذر خواهی کند. نخست وزیر استرالیا که علاوه بر زبان مادری خود انگلیسی ، به یکی از زبان های چینی هم صحبت می کند قرار است در روز سیزدهم فوریه هفته جاری در پارلمان استرالیا رسما از سیاهپوستان به خاطر ستم و تبعیض و بی عدالتی از آنها عذر خواهی کند. این حرکت انساندوستانه آقای کیون راد که در طول تاریخ پس از استیلای سفید پوستان بر استرالیا بی سابقه بوده است شاید بتواند مرهمی بر زخم صاحبان اصلی این سرزمین باشد که به مدت دویست سال ترکه بی رحمی و تبعیض نژادی را متحمل شده اند.. عذرخواهی از ابوریجینال ها یکی از شعارهای انتخاباتی آقای کیون راد بود چرا که نخست وزیر پیشین استرالیا و هم پیمان جورج بوش و تونی بلر در اشغال کشور عراق یعنی آقای جان هوارد حاضر به عذرخواهی نمی شد. انگلیسی ها پس از ورود به خاک استرالیا نه تنها با سیاهپوستان درگیر بودند بلکه با مشکلات عدیده ی دیگری نیز روبرو شدند. از جمله ی اموری که بشدت دست و پاگیر سفید پوستان شد حمل و نقل در این سرزمین پهناور با مساحت هفت ملیون و هفتصد و چهار هزار کیلومتر مربع بود. از آنجا که حمل و نقل با اسب و خر و قاطر در این شبهه قاره کار آسانی نبود و این حیوانات در مسافرت های دور و دراز از فرط تشنگی هلاک می شدند تنها چاره منحصر به فرد سفید پوستان استفاده از شتر شد که تا حدود چهار روز می تواند بدون آب دوام بیاورد و با خار و خاشاک کویر قانع است. از این بابت بود که انگلستان در صدد برآمد تا با آوردن شتر به کار حمل و نقل سرو سامان بدهد.

در سال ۱۸۶۰ میلادی برای رفع نیاز استان ویکتوریا ۲۴ نفر شتر از افغانستان به استرالیا آورده شد. همراه با شترها سه نفر ساربان افغانی نیز به اسامی دوست محمد و احسان خان و بلوچ به استرالیا آورده شدند. از این رو پس از انگلیسی ها دومین قومی که پا به خاک استرالیا گذاشت افغان ها بودند. حدود پنج سال پس از ورود ساربانان افغانی که بیشتر از انگلیسی ها تجربه کار با شتر داشتند و ساربانان مسلطی بودند توماس الدر در استرالیای جنوبی اقدام به واردات ۱۲۴نفر شتر افغانی کرد. همراه با شترها ۳۱ ساربان کارکشته افغانی نیز به استرالیا آورده شدند و چیزی نپائید که با رونق بازار داد و ستد و راه افتادن کاروان بازرگانی در استرالیا بازار کار شتر و شتربانان افغانی بالا گرفت. ارتباط نقاط مهم کشور به وسیله شتر و ساربانان افغانی برقرار شد و با نتیجه ی خوب پیشرفت و رونق کار کاروان ها بود که تعداد بیشتری شتر و ساربان به استرالیا وارد شد. حدود ۳۰۰۰ ساربان افغانی همه ی امور حمل و نقل تجاری استان های (نیو ساوت ویلز) و (کوینزلند) و استرالیای جنوبی و مرکزی را در دست داشتند. مهاجران افغانی آن دوران بیشتر در مناطق (مای ری) ، (بروکن هیل)، آدلید ، پرت و (آلیس اسپرینگ) ساکن شدند.

افغان ها تنها قومی بودند که چند دهه پس از ساختمان کلیسا های مسیحی در استرالیا برای خود مسجد ساختند و اسلام دومین دینی بود که در فاصله کوتاهی پس از مسیحیت در استرالیا رسمیت یافت. با جدیت و تلاش جانفرسای ساربانان افغانی در کار و رونق بازار تجاری استرالیا بر تاریخ نویسان دویست سالی که از حاکمیت سفید پوستان اروپائی بر استرالیا می گذرد پوشیده نیست که افغان ها در پایه گذاری و اساس تمدن بازرگانی این سرزمین سهم عمده ای داشته اند. آنها شماری از سررشته داران امور حمل و نقل این سرزمین بودند و مضاف برآن در میان بازرگانان مشهور دوران نخست سلطه ی سفید پوستان بر استرالیا آقای فیاض و برادران تاج و عبدالودیع مشهور بوده اند. دکتر محمد عالم خان که در طب گیاهی سررشته داشت یکی از پزشکان سرشناس آدلید شد. ولی واقعیت این است که با وجود تلاش گسترده افغان ها در استرالیا دلیل عمده بی رنگ ماندن حضور آن ها در این سرزمین بیشتر مجرد بودن آنها است که با ازدواج با زنان اروپائی و پا گرفتن نسل جدید در فرهنگ استرالیا ادغام شده اند.

لازم به یادآوری است که دولت بریتانیا مضاف بر جانیان و تبهکاران مرد تعداد زیادی از جانیان زن را نیز به استرالیا تبعید کرد که فقط در فاصله ۱۸۲۸ تا ۱۸۳۰ میلادی تعدادی بالغ بر شش هزار زن تبهکار به استرالیا تبعید شده است. جالب ترین سند تاریخی در استرالیا حکایت خانم (ماری ریبی) است که با وجود پرونده ثقیل جنائی ای که داشت آخر سر یکی از بازرگانان موفق و مشهور بندر سیدنی شد. حضور افغان ها در استرالیا که با صلاحدید دولت بریتانیا به این خاک کوچانده شده اند و بنا به نوشته های تاریخ نویسان دویست ساله ی تسلط اروپائی ها بر این سرزمین همگی مردان افغانی بوده اند تیز هوشی انگلیسی ها را در تسلط فرهنگ خود بر این خاک به اثبات می رساند. از شواهد امر بسیار روشن است که احتمالا انگلیسی ها از اشتباه اسکندر مقدونی و دستور نکاح دسته جمعی سربازان خود با بیش از صد هزار دختر ایرانی درس گرفته اند و سعی کرده اند ساربانان غیر متاهل افغان را به استرالیا بیاورند. با نخستین دوران ورود اتومبیل به استرالیا رفته رفته کسب و کار ساربانان افغانی رونق خود را از دست داده است.

پس از ۱۹۳۰میلادی هر چند عده ی قلیلی از آن ها به افغانستان بازگشتند ولی جمع کثیری به عنوان کارگران و سوزن بانان قطار در استرالیا به کار و زندگی ادامه دادند. با پیشرفت صنعت حمل و نقل و راه افتادن قطار و اتومبیل بازار شتربانان کساد شد. ساربانان افغان با اشتغال در راه آهن و کارهای دیگر خیل عظیمی نفر شتر را در کویر های مرکزی و غربی استرالیا به حال خود رها کردند. در حال حاضر تنها یادگاری ای که از افغان ها بر جای مانده وجود بیش از صد هزار نفر شتر غیر اهلی در کویر های استرالیاست که از نسل های همان شترهای رها شده ی دورانی است که راه آهن پا گرفت.

پانوشت:

The Australian People. An Encyclopedia of the Nation. Its people and their origins, edited by James Jupp. Cambridge University Press ۲۰۰۱, pp.۱۶۴-۱۶۵،۳۰

تبر پاسخ درخت زندگی نیست

در اعتراض به قطع چهل درخت تنومند توسط شهرداری بوشهر

حسین یگانه – کارشناس محیط زیست



زیر بیدی بودم
برگی از شاخه بالای سرم چیدم، گفتم
چشم را باز کنید، آیتی بهتر از این می خواهید؟! (سهراب سپهری)

در سکوت شب بیست و دوم بهمن سال هشتاد و شش، چه بی رحمانه دستان مردانی با تیغ های فولادی به خون سرو قامتان و چتر گستران طبیعت نحیف شهرمان آغشته گردید.

با کدامین جواز و گواهی تنه های سترگ این زیبا رویان بی ادعا را قلع و قمع می کنید؟ آیا هر آن که سکوتش بیش و تواضعش دل نشین تر مستوجب مرگ و بی مهری بیشتر است؟ آیا وجدان های بیدار وطبیعت دوست شایسته است فراق این عزیزان سبز را این گونه وداع نمایند؟ یادمان نرود محل سکونت عزیزان یاد شده پارک مقابل دانشگاه علوم پزشکی و مصلای نماز جمعه شهر است. همان عزیزانی که وقتی از شدت تیغ های سوزان آفتاب جنوب در روزها و ظهرهای گرم تابستان به زیر آن ها پناه می بریم و صفای سایه اشان را در جان و دل خود احساس می کنیم و هزاران بار شکر وجودشان را در محضر پروردگار سبحان زمزمه می کنیم. اما افسوس که حافظه مان خیلی زود خوبی ها و محبت ها را فراموش می کند و در فصل سرد سال با نابخردی و تنگ نظری به جانشان می افتیم و تا مغز استخوانشان مشت و لگد می کوبیم. آن ها به این بهانه که ما را چه به این عزیزان (درختان) بدقواره که تازه تاریخ مصرف شان هم به پایان رسیده است. در این هنگام است که پلک روی هم گذاشته و دودمانشان را به باد می دهیم. یک لحظه که چشم می گشاییم متوجه می شویم که چه جنایتی کرده ایم. لباس های زیبای شهرمان را از جا کنده ایم و چهره شهرمان را عریان و لخت کرده ایم. به همین سادگی نجابت عزیزان را به یغما می بریم.

آری درخت کشی و مسلخ عزیزان مان دیگر یک عادت و رویه شده و چه آسان فریادمان را در بغض خود پنهان می کنیم تا شاید به ردای دوستان نوبرمان برنخورد. در سال های اخیر شهرداری بوشهر عزم خود را جزم کرده تا مبلمان و چهره شهر را به نوعی تغییر دهد تا وانمود نماید بابا ما هم می دونیم زیباسازی یعنی چی!

به نام کارشناسی و پژوهش، خودمان با دستان خودمان به خودمان چنگ می زنیم که شاید زیباتر شویم. خون خود را می ریزیم که شاید سرخ تر شویم. سبزی رویمان را زرد می کنیم که شاید نمایان تر شویم. شاهین ترازوی وجدان مان را خم می کنیم که شاید پربارتر شویم. اما حیف که یادمان می رود در سراشیب سقوط خود را قرار می دهیم. این درختان قلع و قمع شده که تعدادشان به حدود ۴۰ اصله می رسد، همگی سند حیات و شادابی ظاهر شهرمان بودند که کودتای شبانه اره های پلید برقی همه را در یک چشم بر هم زدن به زانو در آورد. اینک جای خالیشان خنجری است که قلوب رئوف مردمانی را که هر روز از کنار مزار آن ها رفت و آمد می کنند، زخمی پاره پاره می نماید.

دوستان عزیز شهرداری بدانید که اقتباس و تقلید کورکورانه که به ظاهر وجه کارشناسی به آن داده اند چیزی جز نابودی حیات سبز شهرمان به ارمغان نمی آورد و چند سال آینده خود پرده از این جنایات برخواهد افتاد تا رسوایی این اعمال برملا گردد. این عزیزان، درختان کهنسال شهرمان که به حکم اره بر خاک افتادند فراموش نکنیم، پارک مقابل دانشگاه علوم پزشکی و مصلای نماز جمعه شهر، مکان دفن این درختان است.

بیایید بر آن باشیم تا شرمنده افکار عمومی بعد از این نباشیم.

چیزهایی هست که نمی دانم / می دانم سبزه ای را بکنم خواهم مرد ...

بوشهر را از بن بست برهانیم!

حیدر عرفان

چندی پیش، نوشتاری برای چاپ دادم. امانتگیر،آن راواگویه نکرد. می گفت: فراموش کرده است! چکیده ی پیشنهاد این بود که بندر کنونی بوشهر/ برشهر؛ با ریخت جزیره نما – شبه جزیره – در تنگنای ساختاری آمار مردمی وامانده است. چنان چه اندک نگرشی برای چاره جویی اش شود. هم بندر به گونه آبخوس / آب خسب به نوا و توان می رسد و هم مردمان افزایش جای گرفته و از دلنگرانی این جای و رخداد سر ریز ناگهانی آب دریا در پیرامون خاوری پودر –PUDAR– به دل آرامی می رسند. برای نمونه این که از نقطه کور دریا در کنج جنوبی صدرا با پهنای ۸۰-۶۰ متر، آبکش کمانی به سوی پایانه ی باربری بوشهر– راهیاری بوشهر – شیراز باز شود. تا به زیر کمرکش کوهپایه ی هزار مردان – زار مردان – میان نیروگاه هسته ای و تنگگ جنوبی و ... هیرونی برسد. از زیر خیابان آسفالته ی خودرو گذر کنونی دالانی با پهنای۳۰-۲۰ متر یا بیشتر کاویده از پیشانی دالان. سر آب- کت KAT – را با همان پهنای آبکش به سوی دریا سرازیر و پیوند زنند.



ساختن جایگاه شنا (پلاژ) در بخش بخش های گذرگاه کمانی آسان می شود. تنها نیاز این نیست که پل آهنی یا سیمان مسلح برای کشانیدن راه بزرگ از پایانه باربری – راهیاری.....

به پهنای ۸۰-۶۰ متر در گذر کنار دریا – پهلوگاه باختری – به سوی گمرک پیش بینی نمایند. کمک شایان و همیشگی چکرد این خواهد بود که راه برج مقام – میدان باغ زهرا برای خودروهای سبک می ماند. راه تازه ساخت بزرگ نیز برای خوردوهای سنگین بار و دیگر دستگاهای بزرگ پیکر دنباله اش ویژه می شود. از میدان باغ زهرا هم راه کنونی دوسویه درون شهری بولوار یکراست از باختر به خاور بزرگراه کشاله شود. از پشت صدرا– ایستگاه شناورهای نیروی دریایی پل کمانی آهنی بدانسوی نقطه کور بگذرانند. با این کار هنرمندانه و سازه های استادانه، در جابه جایی اداره های شهر نشین و ساختارهایی شهری در هر اندازه پیشرفت کاری و برای زمانه های درازناک از دو سویه دست یازید. گزارش های گاه به گاه کم نیستند که در راهگذار برج تا گمرک دنباله کش ها ، خودروهای سنگین بار دراز – پهنا – زمینه های کشتار و برخوردهای ناگوار را پیش آورده اند. و غم ها به دل خانواده ها گذاشته اند.

از هم اکنون به خوبی روشن می باشد که ساختمان بیمارستان نیمه کاره ی دویست تخت خوابی در نزدیکی خاور بزرگراه برج– میدان باغ زهرا– پر آمد و رفت – جای داده شده است . نواهای گوشخراش چندش آور و دوده های مرگ آور در آینده از چشم بیماران خواب می رباید. آزار پرستاران و پزشکان هم از بیماران نخواهد کمتر بود. پیرنگ کوی کارمندان و جای داده ها در سامان بیمارستان و کشاله اش تا کوی صلح آباد هم این بایایی را دارد که چنین بزرگراه ۸۰-۶۰ متری آب نیز مانند پیش بینی و به کار گرفته شود. هر چه زودتر بهتر.

پیوند زدن راه کناره های بوشهر – گناوه به بندر کهن "شیف / سیف" و گردانش پیوندی بزرگراه شیف – برازجان وایه نماینده ی دشتستان را هم برآورده می کند. اگر چه آرزومندی آبکند دریا– دالکی – زیر رشته کوه زاگرس میانی کاری دلوایه نمای آرمانی نبوده است. زیرا در گذشته های دیرین هخامنشی – ساسانی– سامان ژیره / دریا کنار ziraa تاسینه ی پایر کوهستان ، زیر آب بوده است. بندر گاه / زبرکاوان/ بارگاهی کنونی و بارکده ی تا– او– گه– ta –aowgah چه برازجان یا توزستان در بندرهای آن روزگاران دانسته شده اند.

شجاعی عضو شورای شهر بوشهر :

تمام اصلاح طلبان را شستند و کنار گذاشتند

امان اله شجاعی عضو شورای شهر بوشهر در خصوص وضعیت فعلی به وجود آمده در حوزه کاندیداها در گفت و گو با خبرنگار نسیم جنوب گفت: «انتخابات اصلا قابل ارزیابی نیست. تمام اصلاح طلبان را شستند و کنار گذاشتند و سهم اصلاح طلبان تا اینجا صفر است.»



وی در خصوص نتیجه واکنش شورای شهر که با یک دقیقه سکوت اعتراض خود را نشان دادگفت: «این سکوت برای مرگ آزادی در انتخابات بود و ان شاء الله شورای نگهبان نشان دهد که آزادی زنده است.»وی افزود:«هیئت نظارت و اجرایی تا انتخاب سوم و چهارم را رفتند و حق انتخابی نمانده اما معنای آن این نیست که ما فعال نباشیم. بنده معتقدم که اصلاح طلبان همین حالا هم باید فعال باشند. رهبر معظم انقلاب فرمودند که قانون را نباید دور بزنند منظور کسانی ست که در هئیت نظارت و اجرایی قلم و رقم می زنند. آنها همین حرف رهبر را باید گوش بگیرند و قانون را دور نزنند و رعایت کنند.» وی در پایان گفت:«ما امیدواریم به قانون برگردند. ما همیشه امیدواریم چون آدم مایوس آدم مرده ای است.»